

## فصل چهارم

# جنگ، بازسازی، بازگشت روزنامه نگاری (۷۵ - ۱۳۵۹)

با توجه به بی سوادی ۵۰ درصد مردم ایران در سال ۱۳۵۷، کمبود کاغذ، چاپخانه، و کارگر ماهر، و مشکل دیرینه توزیع، رشد سریع مطبوعات پس از انقلاب به احتمال زیاد در اثر رقابت بازار متوقف می‌شد. اما بالاگرفتن اختلاف‌های سیاسی داخلی و حمله عراق به شدت بر سرعت این فرایند افزود. تعداد نشریات تازه‌ای که در مدت ۸ سال جنگ ظاهر شدند (۶۸۵) کم‌تر از تعدادی بود که در دو سال پیش از جنگ شروع به کار کرده بودند (۷۲۰).<sup>۱</sup> در هیچ یک از نشریات دوران جنگ نشانه‌ای از مخالفت، یا حتی تفاوت نظر سیاسی و اجتماعی، با حکومت دیده نمی‌شد. نظرات سیاسی رسمی را چهار روزنامه منتشر می‌کردند: دو روزنامه قدیمی بعد از ظهر، اطلاعات و کیهان، که حالا در دست حکومت بودند؛ و دو روزنامه تازه صبح - صبح آزادگان، که با امکانات آیندگان چاپ می‌شد، و جمهوری اسلامی، که در سال ۱۳۵۸ تاسیس شده بود و امتیاز آن را حجت‌الاسلام سیدعلی حسینی خامنه‌ای، سومین رئیس جمهور و رهبر بعدی جمهوری اسلامی، در اختیار داشت. در سال‌های بعد دو روزنامه دیگر به این جمع پیوستند: کاروکارگر، ارگان "خانه کارگر"، که امتیاز خود را در سال ۱۳۶۳ به دست آورد، و رسالت، که سخنگوی بازار تلقی می‌شد و در سال ۱۳۶۴ آغاز به کار کرد.

طیف نشریاتی که از ۱۳۶۲ تا پایان جنگ در سال ۱۳۶۷ پدید آمدند علاوه بر ماهنامه‌های جدول و سرگرمی و داستان‌های کودکان و نشریات تخصصی دانشگاه‌ها و سازمان‌های دولتی، تعداد فزاینده‌ای از نشریات تخصصی بخش خصوصی را در برمی‌گرفت که برخی از نویسندگان آن‌ها کارشناسان علمی و فنی و برخی دیگر روزنامه‌نگاران حرفه‌ای بودند که نمی‌توانستند در روزنامه‌ها یا هفته‌نامه کار کنند. این نشریات تخصصی راهی را ادامه می‌دادند که توسط ماهنامه‌های کشاورز و دانستنیها (صدور امتیاز در ۱۳۵۸)،<sup>۲</sup> و صنعت حمل و نقل و فیلم گشوده شده بود. صنعت حمل و نقل و فیلم، که هر دو را روزنامه‌نگاران پیشین آیندگان تاسیس کردند،<sup>۳</sup> اولین بار در ۱۳۶۰ منتشر شدند،<sup>۴</sup> اما امتیاز نشر را در ۱۳۶۹ به دست آوردند.<sup>۵</sup> پیش از کسب امتیاز، مسئولان این دو ماهنامه باید هر شماره از نشریه خود را به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌بردند تا پس از بررسی تک تک

<sup>۱</sup> ارقام و تقسیم بندی بر اساس سیدفرید قاسمی، راهنمای مطبوعات ایران ۱۳۷۱-۱۳۵۷، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲.

<sup>۲</sup> همان.

<sup>۳</sup> مسعود مهاجر، صندوقدار "سندیکا" و نویسنده پیشین آیندگان و صنعت حمل و نقل، در مصاحبه با نویسنده، تهران، ۳ شهریور ۱۳۸۱.

<sup>۴</sup> قاسمی، راهنمای مطبوعات ایران ۱۳۷۱-۱۳۵۷.

<sup>۵</sup> شناسنامه موضوعی مطبوعات کشور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۳.

صفحه‌ها اجازه چاپ آن داده شود.<sup>۶</sup>

با وجود محدودیت‌های شدید زمان جنگ، صنعت حمل و نقل و فیلم توانستند با ارائه اطلاعات دقیق و تحلیل کارشناسان هم در میان مردم محبوبیت پیدا کنند و هم بر تصمیم‌گیران حکومت تأثیر بگذارند. پس از جنگ، هر دو نشریه دامنه کار خود را گسترش دادند. صنعت حمل و نقل علاوه بر خبر، گزارش، تحلیل و تفسیرهای معتبر در زمینه حمل و نقل، انرژی و ارتباطات، مقاله‌های آموزنده‌ای در زمینه‌های دیگر نیز منتشر کرد. در سال ۱۳۶۹، مقاله‌ای در صنعت حمل و نقل به درستی پیش بینی کرد که علیرغم ممنوعیت گیرنده تلویزیون ماهواره، این دستگاه به زودی به خانه‌های ایرانیان وارد خواهد شد و با نشان دادن شیوه‌های دیگر زندگی چشمداشت‌های اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی آنان را بالا خواهد برد و از علاقه‌شان به برنامه‌های تلویزیون داخلی خواهد کاست.<sup>۷</sup> مقاله دیگری در همان سال به بررسی موضوع مهاجرت بیش از یک میلیون ایرانی پرداخت و استدلال کرد که علیرغم اعتقاد یا امید رایج به بازگشت مهاجران و تبعیدیان، تاریخ نشان داده است که اینگونه انتقال جمعیت برگشت‌ناپذیر است.<sup>۸</sup> در سال ۱۳۷۲، مقاله‌ای که حتی امروز ممکن است انتشار آن متهورانه تلقی شود از طراحی و ساخت آرامگاه آیت‌الله خمینی در نزدیکی گورستان بهشت زهرا انتقاد کرد و گفت چنان ساختمانی نه در شان بنیانگذار جمهوری اسلامی است، و نه زینده معماری ایران که در طول تاریخ شاهکارهای فراوانی را به وجود آورده است.<sup>۹</sup>

مدت‌ها پیش از موفقیت بین‌المللی سینمای ایران، و در زمانی که در بسیاری شهرهای ایرانی سینمای قابل استفاده‌ای وجود نداشت، ماهنامه فیلم خوانندگان خود را با جزئیات سینمای جهان آشنا می‌کرد. نامه‌های خوانندگان جوان فیلم از سراسر کشور گویای بی‌قراری آنان در انتظار رسیدن ماهنامه به شهر یا روستایشان بود. ماهنامه فیلم بر رویکرد صنعت سینمای ایران و سیاست‌های دولت در زمینه سینما تأثیر گذاشت و کارگاهی برای نسل تازه‌ای از روزنامه‌نگاران سینما شد که برخی از آنان بعداً نشریات سینمایی دیگری، گاه بسیار شبیه به فیلم، تاسیس کردند. در نیمه دهه ۱۳۶۰، مفهوم نشریه تخصصی آنچنان در ایران جا افتاده بود،<sup>۱۰</sup> که در مورد دو نشریه ادبی دنیای سخن و آدینه نیز به کار می‌رفت.

در دوران جنگ دست کم ۳۹ خبرنگار در جبهه‌ها کشته شدند؛ سپاه پاسداران کلاس خبرنگاری و گزارش‌نویسی تشکیل داد؛ کلاس‌های دیگری در کیهان و خبرنگاری رسمی کشور که حالا "خبرگزاری جمهوری اسلامی" نام گرفته بود برپا شد؛ و رادیو تلویزیون ایران استفاده از ماهواره برای پخش سراسری برنامه‌های خود را آغاز کرد. بازگشت طنز به روزنامه‌های ایران به دنبال توقیف‌های پس از انقلاب یکی دیگر از رویدادهای قابل توجه دیگر این

<sup>۶</sup> مصاحبه نویسنده با علی ذرقانی، ناشر ماهنامه صنعت حمل و نقل، و مسعود مهرابی، ناشر ماهنامه فیلم، ۱۰ اسفند ۱۳۸۳. سه شماره اول فیلم با نام سینما در ویدئو منتشر شد تا در غیاب سینما در ایران خوانندگان را در انتخاب فیلم‌های ویدیویی راهنمایی کند و از طریق ویدئو کلاب‌ها پخش می‌شد. اما دولت به زودی ویدئو کلاب‌ها را ممنوع کرد و توزیع ویدئو به فعالیتی زیرزمینی تبدیل شد. در این شرایط، نام ماهنامه به فیلم تبدیل شد. محمد قائد، "ممنوع یعنی قاچاق، قاچاق یعنی مسکوت"، صنعت حمل و نقل، شماره ۸۶، اردیبهشت ۱۳۶۹، ۱۳-۱۲.

<sup>۷</sup> محمد قائد، "افسانه بازگشت"، صنعت حمل و نقل، شماره ۸۷، خرداد ۱۳۶۹، ۶۲-۶۰.

<sup>۸</sup> محمد قائد، "طلیحه یک صافکاری اساسی"، صنعت حمل و نقل، شماره ۱۱۷، فروردین ۱۳۷۲، ۱۰۳-۱۰۲.

<sup>۹</sup> مسعود مهرابی، ناشر ماهنامه فیلم، در مصاحبه با نویسنده، تهران، ۲۹ دی ۱۳۸۳.

دوره بود. کیومرث صابری، از معدود بازماندگان هفته نامه توفیق، در سال ۱۳۶۳ ستونی با نام "دو کلمه حرف حساب" در روزنامه اطلاعات آغاز کرد که به تعبیر زندگی نامه آقای صابری، در اندک مدتی

به‌عنوان مهم‌ترین منتقد حکومت در داخل کشور مطرح شد. قدرت قلم و جسارت صابری در بیان واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی موجب شده بود که او را سوپاپ دولت قلمداد کنند، ولی صابری بدون توجه به نظرات دلسردکننده‌ای که برخی عنوان می‌کردند، به کار خود ادامه داد و ظرف مدت کوتاهی، توانست توجه بسیاری از مردم، مقامات، ادبا، نویسندگان و رسانه‌های داخلی و خارجی را به خود جلب کند.<sup>۱۱</sup>

دیگران نقش این ستون را در ایجاد «محیط نقد و نقدپذیری در ساختار حاکمیت» در نیمه دهه ۱۳۶۰ مهم دانسته‌اند.<sup>۱۲</sup> در سال ۱۳۶۴ دومین قانون مطبوعات جمهوری اسلامی، که در "فصل دوازدهم: آشفته‌گی در فکر حقوقی" مورد بحث قرار خواهد گرفت، به تصویب مجلس رسید.<sup>۱۳</sup>

### «نسل تازه‌ای از روشنفکران»

پس از پایان جنگ در سال ۱۳۶۷ و درگذشت آیت‌الله خمینی یک سال بعد از آن، رئیس‌جمهور وقت، حجت الاسلام خامنه‌ای، به رهبری جمهوری اسلامی، و رئیس مجلس، حجت الاسلام رفسنجانی، به ریاست جمهوری برگزیده شدند. حال که ضرورتی برای صرف توانائی اقتصادی کشور برای جنگ وجود نداشت، رئیس‌جمهور رفسنجانی از کسانی که در جبهه‌ها جنگیده بودند خواست به تولید ثروت رویاوارند و «مانور تجمل» بدهند.<sup>۱۴</sup> به همراه سرمایه‌گذاری در زیرساخت اقتصادی کشور و افزایش ورود کالاهای مصرفی،<sup>۱۵</sup> از محدودیت‌های عرصه فرهنگ و هنر کاسته شد. مجری این سیاست وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، حجت الاسلام سید محمد خاتمی، بود که در اسفند ۱۳۶۹ نخستین "سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران" را افتتاح کرد. آقای خاتمی در سخنرانی خود وسائل ارتباط جمعی را «دستاورد و زاده تمدن و فرهنگ غرب» توصیف کرد که «حکام و سرمایه‌داران غرب غالباً تاسیس کنندگان» آن بوده‌اند، و روشنفکران نیز ناچار بوده‌اند «بنا به مصلحت و ادامه وضع موجودشان با سرمایه‌داران کنار بیایند.» وسائل ارتباط جمعی در کشورهای سوسیالیستی در اختیار حکومت‌های مرکزی بود، و

<sup>۱۱</sup> زندگی‌نامه آقای صابری در تورنمای "موسسه گل آقا"، <http://www.golaghaweekly.com/saberi> (دسترسی ۲۱ مرداد ۱۳۸۷). آقای صابری دو سال پس از پایان جنگ نشریه طنزی با نام گل آقامتشر کرد و در سال ۱۳۸۱، در اوج دوره تازه توقیف نشریات، آن را تعطیل کرد.

<sup>۱۲</sup> یاد آوری آقای کامبیز نوروزی، مدرس حقوق مطبوعات و دبیر کمیته حقوقی "انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران" در تماس با نویسنده، ۱۰ دی ۱۳۸۷.

<sup>۱۳</sup> تورنمای دادگستری تهران، <http://www.ghavanin.ir/detail.asp?id=5429> (دسترسی ۲۷ مهر ۱۳۸۷).

<sup>۱۴</sup> این سخنان که در خطبه نماز جمعه ۱۸ آبان ۱۳۶۹ آقای رفسنجانی گفته شد، و پیامدهای اقتصادی-اجتماعی آن، بحث و انتقاد فراوان به دنبال داشته‌است. از جمله نگاه کنید به مقاله "ساده زیستی متجملانه" در تورنوشت آقای عباس عبدی، ۱۸ شهریور ۱۳۸۶، [http://www.ayande.ir/1386/06/post\\_335.html](http://www.ayande.ir/1386/06/post_335.html)، و مقاله "از مانور تجمل تا زندگی قسطی"، در تورنوشت "دردنوشته‌های دانشجوی مسلمان"، ۲۹ فروردین ۱۳۸۷، <http://vebnevesht.blogfa.com/87014.aspx> (دسترسی به هردو در ۲۷ آذر ۱۳۸۷).

<sup>۱۵</sup> تولید ناخالص ملی کشور که در هشت سال جنگ ۱۹۸ درصد رشد کرده بود در هشت سال ریاست جمهوری آقای رفسنجانی ۷۲۸ درصد رشد کرد. حتی با قیمت‌های ثابت ۱۳۷۰، آهنگ رشد از ۵ درصد در دوره جنگ، به ۳۷ درصد در دوره ریاست جمهوری آقای رفسنجانی رسید. اطلاعات از حساب‌های ملی ایران، ۱۳۸۲-۱۳۳۸، بانک مرکزی ایران، تهران، <http://www.cbi.ir/publications/PDF/NA3879.pdf>، (دسترسی بهار ۱۳۸۴).

در دنیای غیرصنعتی هم «وضعیت مبهمی» داشت. آقای خاتمی گفت در کشورهایی مانند ایران، روشنفکران «هم دیکتاتور زده‌اند، و هم غرب زده و همه مردم دیکتاتور زده‌اند»، و «تاب تحمل هیچ اندیشه‌ای جز عقاید خود را ندارند». آقای خاتمی افزود:

روشنفکرهای دیکتاتور زده چون باورشان تحقق نیافته است، به بدترین شکل شروع به تخریب فرهنگی کردند، و به این هم اکتفا نکردند و در مقابل نظام و حکومت دست به اسلحه بردند. امروز هم هستند بسیاری از کسانی که مدعی روشنفکری هستند و نمی‌توانند چیزی را که اکثریت مردم می‌خواهند، تحمل کنند و بپذیرند. بعضی از بازمانده‌های نسل‌های روشنفکری که هنوز وجود دارند و جمهوری اسلامی اجازه می‌دهد که ابراز وجود کنند، اگر دست به شمشیر نمی‌برند، جربزه آن را ندارند.

آقای خاتمی سپس «تجربه برای دستیابی به آزادی و استقلال» در غرب را که «بعد از رنسانس هیچ گونه فشار خارجی نداشت» با جمهوری اسلامی مقایسه کرد که «با فشارهای شبکه وسیع و جهانی قدرت استکبار روبرو» بود. در این شرایط، جمهوری اسلامی می‌بایست «وسایل ارتباط جمعی متناسب با منافع این ملت و اهداف انقلاب ایجاد» کند، و «انقلاب در متن خود پروراننده نسل تازه‌ای از روشنفکران باشد که

در مجموع شرایط امروز ملت و انقلاب را درک کند، نه نسل به به و چه چه گوی برنامه‌های دولت. و تازه علامت و شرط اول آزادی این نسل هم این است که آن‌ها بتوانند برنامه‌ها و سیاست‌های دولت را نقد کنند. اما در عین حال باید مشکلاتی که قبل وجود داشت نباشد و شخص متوجه زمان خود باشد. این جور نیست که درها را ببندیم و به امید این که یک روز نسل روشنفکر مطلوب خود را تربیت کنیم، صبر پیشه کنیم. اصولاً شرط اول زاده شدن این نسل وجود آزادی و شرایط آن در جامعه است. اما در این موقعیت و تمامی موقعیت‌ها باید ملاک‌های خود را برای خودی‌ها و هم غیرخودی‌هایی که می‌خواهند اینجا باشند و باید باشند، مشخص کنیم. [...] و سائل ارتباط جمعی اگر خواستار آزادی مطلق و واقعی برآمده از اصل هویت فرهنگی این ملت و خواستار استقلال واقعی هستند، باید رسالت و مبنای کارشان توجیه این نسل و تلاش برای شکل دادن افکار نسل آینده باشد.<sup>۱۶</sup>

معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در امور مطبوعاتی و تبلیغاتی، محسن امین زاده، در سخنرانی خود گفت تعداد نشریات در یک سال پیش از تصدی او در حدود ۲ درصد و در یک سال پس از آن ۴۹ درصد افزایش یافت؛ تعداد روزنامه‌ها از ۱۰ عنوان در سال ۱۳۶۷ به ۱۹ عنوان در سال ۱۳۶۹ رسید؛ و تعداد نشریات علمی و تخصصی ۱۵۰ درصد افزایش یافت. آقای امین زاده هدف‌های «معاونت امور مطبوعاتی و تبلیغاتی» وزارت ارشاد را چنین اعلام کرد:

(۱) ایجاد تنوع در مطبوعات؛ (۲) ایجاد امکانات مشارکت نیروهای مختلف اجتماعی و مطبوعاتی و تشویق و تحریص نیروهای جوان دارای انگیزه‌های فرهنگی و قابلیت‌های فعالیت مطبوعاتی در چهارچوب اهداف

<sup>۱۶</sup> سخنرانی وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی حجت الاسلام والمسلمین خاتمی در مراسم افتتاحیه سمینار، مجموعه مقالات نخستین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱، ۲۳-۱۴.

انقلاب اسلامی؛ ۳) ایجاد امکانات حرفه‌ای و صنفی مطبوعات که در برابر سیاست زدگی عمومی دچار وقفه گردیده بود و تعمیق احساس مسئولیت‌های حرفه‌ای در دست اندرکاران مطبوعات؛ ۴) ارتقاء سطح کیفی نیروهای انسانی مطبوعات از طریق ایجاد دوره‌های مختلف آموزشی، تلاش در جهت ایجاد و گسترش رشته‌های آموزش روزنامه‌نگاری در دانشگاه‌ها، راه اندازی پروژه‌های تحقیقاتی در زمینه مسائل و مشکلات مطبوعات و ایجاد نظام بانک اطلاعات؛ و ۵) ارتقاء کیفی محتوای مطبوعات و کاربست تکنیک‌های نوین و پیچیده‌تر تبلیغ و ترویج اصول و مبانی انقلاب اسلامی و وحدت ملی به موازات آن.<sup>۱۷</sup>

چند تن از سخنرانان بر ضرورت تشکیل سازمان‌های صنفی روزنامه‌نگاران تاکید کردند و توجه به این نکات را نیز مهم دانستند: کمبود مجال برای انتقاد سالم در بعضی جراید؛ ضرورت برداشتن مجازات لغو پروانه از قانون مطبوعات، زیرا «خلاف فرضی یا واقعی نباید موجب شود که گروه کثیری که در یک سازمان مطبوعاتی بزرگ مشغول به کار هستند و فقط از این راه ارتزاق می‌کنند بیکار شوند»؛ افزودن نماینده نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات به «هیأت نظارت بر مطبوعات»؛ ضرورت ایجاد «نظام مطبوعاتی» برای حل «عمده مسائل و مشکلات مربوط به مطبوعات و مطبوعاتیان»؛<sup>۱۸</sup> ضرورت تضمین استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاران و احترام به «استقلال فکر، شخصیت و بلوغ» آنان؛ نیاز به تأمین «مصونیت قانونی و امنیت شغلی» برای روزنامه‌نگاران مانند نمایندگان مجلس؛ بهره‌مند شدن روزنامه‌نگاران از «سود ویژه»، مانند کارگران کارخانه‌ها؛ کاهش سن بازنشستگی از ۳۵ سال سابقه کار یا ۶۰ سال سن، با توجه به «استرس‌ها و فشارهای روانی و عصبی» روزنامه‌نگاری؛ پرداخت «حقوق و دستمزد مناسب»، با توجه به این که «اکثریت قریب به اتفاق شاغلان مطبوعات برای تأمین هزینه سرسام آور زندگی در حال حاضر کار دوم و سوم» دارند؛ اصلاح قانون مطبوعات و گنجانیدن «حقوق روزنامه‌نگاران» در آن؛<sup>۱۹</sup> سختی و زیان آور بودن روزنامه‌نگاری؛ نبودن قانون برای حمایت روزنامه‌نگاران و در نتیجه اخراج و ضرب و شتم یا زندانی شدن آنان به خاطر انجام کارشان - از جمله بازداشت خبرنگاری که گزارشی درباره یک «شیاد مدعی نیابت امام زمان (عج)» تهیه کرده بود - و همچنین مواخذه، تنزیل درجه، «تبعید به قسمت‌های اداری»، یا اخراج خبرنگاران از تحریریه توسط «مدیران و سائل ارتباط جمعی» به خاطر «تهیه خبر یا گزارش‌هایی، آن هم پس از چاپ»؛<sup>۲۰</sup> سلطه فرهنگ شفاهی و نبودن علاقه کافی به مطالعه و نوشتن، حتی در میان باسوادان و افراد تحصیلکرده؛ نداشتن منابع خبری به روز و موثق و توانائی تنظیم خبر «قابل فهم برای پیامگیر»؛ فقدان آموزش منظم و مستمر؛<sup>۲۱</sup> نبودن الگوی مشخص مدیریت برای اداره مطبوعات پرتیراژ؛ به کار نرفتن نیروهای متخصص

<sup>۱۷</sup> «مبانی، تنگناها و دورنمای توسعه مطبوعات»، سخنرانی برادر امین زاده، معاون امور مطبوعاتی و تبلیغاتی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مجموعه مقالات نخستین سمینار، ۳۰-۲۶.

<sup>۱۸</sup> مهدی بهشتی پور، «چند نکته در خور توجه برای طرح در سمینار بررسی مسائل مطبوعات»، مجموعه مقالات نخستین سمینار، ۱۳۷۱، ۳۰-۲۶.

<sup>۱۹</sup> محمد مهدی فرقانی، «حريم حرفه روزنامه نگاری»، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مجموعه مقالات نخستین سمینار، ۱۳۷۱، ۵۹-۴۱.

<sup>۲۰</sup> حسین قندی، «استقلال حرفه‌ای و امنیت شغلی روزنامه نگاران و ضرورت تشکیلات صنفی»، مجموعه مقالات نخستین سمینار، تهران، ۱۳۷۱، ۶۹-۶۰.

<sup>۲۱</sup> دکتر علی اسدی، «تنگناهای مطبوعات در ایران»، مجموعه مقالات نخستین سمینار، ۱۳۷۱، ۸۳-۷۴.

روزنامه‌نگاری در جایگاه حرفه‌ای معین و مشخص در مطبوعات؛ و تبدیل کردن سازمان تحریری روزنامه‌های پرتیراژ به تشکیلات خشک اداری.<sup>۲۲</sup>

سمینار با سخنرانی دکتر عبدالکریم سروش پایان یافت که در آغاز گفت «اینجانب با کمال شوقی که به حضور در محضر دوستان اهل مطبوعات و بهره جستن از سخنانشان داشتم، فرصت شرکت در سمینار را جز در همین دقایق نیافتم و به همین سبب خود را مغبون می‌دانم.» دکتر سروش سپس گفت «بر فضای خوبی که بر جامعه ما، در این جمهوری اسلامی سایه افکنده است، آفرین باید گفت، و خوشنود باید بود که چنین فضای پاک دور از ابتدالی برای این چهره پاک حکایت گر اوصاف جلیل انسانی پیدا شده است. آرزو می‌کنیم که مطبوعات هم از همین متاع برخوردار شوند و انشاء الله در تاسی جستن به شیوه‌های مطلوب و میمونی که در آن‌ها پدید آمده است، آن جذابیت مطبوع و مشروع را پیدا کنند.» دکتر سروش کوشش «ارباب مطبوعات» برای دست یافتن به آزادی را «بسیار بجا» توصیف کرد، اما گفت «داشتن آزادی، به کار بردن آن، یک بازی است و آموختن قواعد این بازی، شرط ضروری حفظ آن است و کسانی که این قواعد را نمی‌دانند یا رعایت نمی‌کنند، خائنین به آزادی‌اند و همان کسانی هستند که در عین تایید لفظی آن را طرد می‌کنند.»

دکتر سروش مطبوعات را دارای سه نقش «معرفتی»، یا اطلاع رسانی، «قدرتی»، یا توانائی «برانگیختن حوادث»، و «تجارتی»، یا «سودآوری ارتزاقی و انتقاعی» دانست و گفت «اهل مطبوعات» در این «سه ضلع هم باید قواعد بازی را رعایت کنند و مراقب آفاتش باشند.» دکتر سروش گفت «مهم‌ترین آفت قدرت، حق ناشناسی» است که در نتیجه آن «آزادی فنا می‌شود و فدا می‌شود؛» قاعده‌ی «بازی معرفت، حرمت نهادن به نقادی است»؛ و «آفات بازی تجارت» نیز «گول زدن مشتری و فروختن کالای نامرغوب» و «ایجاد پسند کاذب» در اوست. دکتر سروش گفت «مطبوعات در مقام آگاهی دادن دو کار می‌توانند بکنند: یکی اینکه می‌توانند جواب‌ها را در اختیار مردم بگذارند. یکی اینکه می‌توانند سوال‌ها را در اختیار مردم بگذارند. با گذاشتن سوال‌ها، ما گفتگوهای تازه‌ای را می‌گشاییم. با گذاشتن جواب‌ها احیاناً ما تشویش فکریشان را افزوده خواهیم کرد.» دکتر سروش در بحث آزادی مطبوعات، آزادی را به «آزادی بیرونی»، یا تعریف شده با مقررات، و «آزادگی» یا «آزادی درونی خود شخص» تقسیم کرد و گفت «غمخواری درون به اندازه غمخواری بیرون» باید در «مطبوعات ما تجلی پیدا» کند.<sup>۲۳</sup>

## سلام

کاهش محدودیت صدور امتیاز در آغاز ریاست جمهوری آقای رفسنجانی نه تنها صنعت حمل و نقل و فیلم را از سانسور پیش از چاپ آزاد کرد، بلکه به پیدایش نشریات دیگری نیز منجر شد که بعدها توسط جمهوری اسلامی

<sup>۲۲</sup> مینو بدیعی دزفولی، «بررسی مسائل مدیریتی و تخصصی و آموزشی در مطبوعات ایران»، مجموعه مقالات نخستین سمینار، ۲۳۷-۱۸۷.  
<sup>۲۳</sup> «سخنرانی آقای دکتر عبدالکریم سروش»، مجموعه مقالات نخستین سمینار، ۳۹۰-۲۸۰. در صفحه ۳۸۶ کتاب، هنگام ورود به بحث آزادی مطبوعات، آمده است: «متأسفانه چند کلمه از این بخش از سخنرانی استاد محترم مفهوم نبود، که با پوزش دنبال بحث را در زیر می‌آوریم.»

تعطیل شدند: ماهنامه ادبی گردون (۱۳۷۴-۱۳۶۹)، ماهنامه نظری-اسلامی کیان (۱۳۷۹-۱۳۶۹)، و ماهنامه زنان (۱۳۸۶-۱۳۷۰) که بنیانگذارانشان از طرفداران جمهوری اسلامی بودند؛ دو-هفته‌نامه ایران فردا (۱۳۷۹)، که ناشر آن مهندس عزت‌الله سبحانی از وزیران دولت موقت مهندس مهدی بازرگان بود؛ و ماهنامه دنیوی جامعه سالم (۱۳۷۷-۱۳۶۹). مهم‌ترین امتیاز این دوره در سال ۱۳۶۹ به روزنامه سلام، سخنگوی "مجمع روحانیون مبارز" داده شد که صلاحیت تعدادی از اعضای آن برای شرکت در انتخابات مجلس خبرگان رد شده بود و هیچ روزنامه‌ای حاضر به چاپ شکایتشان نبود.<sup>۲۴</sup> سلام به سرعت به یکی از پرخواننده‌ترین روزنامه‌های کشور تبدیل شد. یکی از عوامل این موفقیت ستون "الو سلام" بود که در آن پرسش‌ها یا نظرات تلفنی خوانندگان به چاپ می‌رسید، و برخی مطالب آن حکم گزارش‌های خبری را داشتند که به جای خبرنگاران روزنامه توسط خوانندگان آن تهیه می‌شدند. سلام از نخستین نشریات جمهوری اسلامی بود که با چاپ گزارش‌های تحقیقی مواردی از سوء استفاده مالی را افشا کرد. پیش از انقلاب چنین گزارش‌هایی تنها در نشریات مخالفان دولت ایران در خارج از کشور دیده می‌شد.

سلام در یکی از نخستین شماره‌های خود هشدار داد که «در حدود ۴۰ بولتن محرمانه و خصوصی» که توسط سازمان‌های گوناگون دولتی تهیه می‌شوند فکر «نخبگان» را شکل می‌دهند، اما از اعتماد مردم به مطبوعات می‌کاهند. سلام خود با استفاده از همین بولتن‌ها در ستونی به نام "اخبار خاکستری" گزارش‌هایی درباره «اخبار غیرمتعارف ناشی از حوادث تلخ، بزهکاری‌ها، جنایات، مزاحمت‌ها، فساد اخلاق» و مانند آن منتشر کرد، از جمله این که «از کرمان گزارش رسیده جوان ۲۱ ساله‌ای که پس از انجام عمل لواط با سه نوجوان ۱۱ تا ۱۳ ساله، دو تن از آن‌ها را به قتل رسانده بود به قصاص پرتاب از کوه محکوم شد»، و «یکی از زلزله‌زدگان رودبار به علت ناراحتی شدید روحی، اعضای خانواده خود را در یک خانه پیش ساخته به آتش کشید [...] و آنگاه خود را نیز در بیرون خانه پیش ساخته حلق آویز کرد و به زندگی خود خاتمه داد.»

این ستون در بیرون روزنامه به «واکنش به شدت منفی دولتمردان» و در درون آن به «دودستگی آشکار» بر سر اینکه «درج این گونه اخبار به نفع جامعه است یا خیر؟» انجامید و «ستون در همان آغاز انتشار تعطیل» شد. یک ماه و نیم پس از انتشار سلام، رئیس جمهور رفسنجانی در خطبه نماز جمعه گفت «این روزنامه‌ها خیال می‌کنند دارند خدمت می‌کنند به مردم. این یک نوع عوام زدگی است. این یک نوع فریبکاری مردم است.» پیش از آن هم آقای رفسنجانی گفته بود «انتقاد را می‌شود با زبانی دیگر گفت، دلسوزانه مطرح کرد که طرف هم نرنجد، هیچ‌کس زیر سوال نرود. ما باید مواظب باشیم که مشی اسلامی و انقلابی داشته باشیم. همان که امام به ما می‌گفتند. امام می‌گفتند مثبت‌ها را بگوئید، منفی‌ها را نگوئید.»<sup>۲۵</sup> گزارش‌های سلام بعدها به محاکمه ناشر و مدیر مسئول روزنامه، حجت الاسلام سید محمد موسوی خوئینی‌ها، بازداشت سردبیر آن، عباس عبدی، و سرانجام به توقیف روزنامه انجامید.<sup>۲۶</sup>

<sup>۲۴</sup> وحید پوراستاد، محاکمه سلام، تهران، روزنگار، ۱۳۸۰، ۱۲-۱۱.

<sup>۲۵</sup> کریم ارغنده پور، دوران سلام، تهران، نگاه امروز، ۱۳۷۹، ۱۱۸-۱۱۵.

<sup>۲۶</sup> پوراستاد، محاکمه سلام، ۱۵؛ غلام رضا کاشی، مطبوعات در عصر خاتمی، مرداد ۷۶-مرداد ۷۹، تهران، سلک، ۱۳۷۹، ۱۲۲-۱۲۱. در مورد توقیف سلام، نگاه کنید به "فصل پنجم: دومین بهار آزادی" (۷۹-۱۳۷۶).

از دید فنی، مهم‌ترین تحول روزنامه‌نگاری ایران در این دوره انتشار همشهری، روزنامه شهرداری تهران، در سال ۱۳۷۱ بود، روزنامه‌ای رنگی، با چهره‌ای شاد و گزارش‌های گوناگون، بسیار متفاوت با ظاهر غم‌زده دیگر روزنامه‌ها. همشهری با پشتیبانی شهردار وقت تهران، غلامحسین کرباسچی، زیر نظر احمد ستاری، از روزنامه‌نگاران پیشین اطلاعات، برپا شد.<sup>۲۸</sup> همشهری ظرف سه سال پرفروش‌ترین روزنامه ایران شد و به تیراژ ۴۰۰,۰۰۰ نسخه، دو برابر اطلاعات و کیهان، دست یافت.<sup>۲۹</sup>

## موسیقی و دشمنان آن

در دوره تصدی آقای خاتمی بر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آثار تازه ادبی، از جمله کتاب زنان بدون مردان نوشته شهرنوش پارسی پور که در آن زندگی یک زن تن فروش توصیف شده بود، اجازه انتشار به دست آوردند و تولید موسیقی، که آیت‌الله خمینی اندکی پیش از درگذشتش آن را به همراه بازی شطرنج و خوردن خاویار حلال اعلام کرده بود، افزایش یافت. به دنبال انتقاد محافظه کاران که این تحولات را نشانه افزایش بی بندوباری می‌دانستند، آقای خاتمی در سال ۱۳۷۱ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی استعفا داد و به ریاست کتابخانه ملی ایران منصوب شد. آقای خاتمی در استعفانامه خود خطاب به رئیس جمهور رفسنجانی هشدار داد که اگرچه مخالفت با نظرات آیت‌الله خمینی با رد فتوای ایشان در مورد موسیقی آغاز شده، این حرکت ممکن است به «دلسردی و احساس ناامنی متفکران و هنرمندان سالم، حتی معتقدان و عاشقان اسلام و انقلاب» منجر شود.<sup>۳۰</sup> پس از استعفای آقای خاتمی گروهی از دستیاران او در سازمان‌های وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و موسسه کیهان نیز جای خود را به مسئولانی دادند که سابقه فعالیت نظامی، به‌ویژه در سپاه پاسداران و نهادهای اطلاعاتی و امنیتی آن، داشتند.<sup>۳۱</sup> جای آقای خاتمی را علی لاریجانی گرفت که پیش از آن معاون و قائم مقام فرمانده سپاه پاسداران، و سپس معاون وزیر پست و تلگراف شده بود.<sup>۳۲</sup> دو سال بعد، در سال ۱۳۷۳، آقای لاریجانی ریاست رادیو تلویزیون یا "صدا و سیمای جمهوری اسلامی" را از محمد هاشمی، برادر رئیس جمهور رفسنجانی، تحویل گرفت و یک سیاستمدار محافظه‌کار دیگر، مصطفی میرسلیم، به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منصوب شد. در دوره وزارت آقای میرسلیم دولت ممنوعیت ورود دستگاه‌های ضبط و پخش ویدئو را که در نخستین سال‌های پس از انقلاب وضع شده بود لغو کرد و تسهیلاتی

<sup>۲۸</sup> ژیلای بنی یعقوب، روزنامه‌نگاران، تهران، روزنگار، ۱۳۸۰، ۱۴.

<sup>۲۹</sup> دکتر کاظم معتمدنژاد، بررسی شرایط پیشرفت نشریات مستقل و کثرت‌گرا، در مجموعه مقالات دومین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷، جلد اول، ۳.

<sup>۳۰</sup> تورنمای خبری امروز، <http://www.emrooz.ws/ShowItem.aspx?ID=2418&p=1>، (دسترسی بهار ۱۳۸۴).

<sup>۳۱</sup> عیسی سحرخیز، مدیرکل پیشین مطبوعات داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سخنرانی در آلمان، نقل شده در تورنمای فارسی زبان ایران امروز، <http://www.iran-emrooz.de/khabar/saharkh820309.html>، (دسترسی ۱ مرداد ۱۳۸۵)، و تماس نویسنده با آقای سحرخیز، تهران، ۳۰ آذر ۱۳۸۷.

<sup>۳۲</sup> علی لاریجانی، "هوای تازه - زندگی نامه دکتر علی لاریجانی و خط فکری هوای تازه"، تورنمای شخصی، <http://www.ijani.ir/NewsBody.aspx?ID=549>، (دسترسی ۱ مرداد ۱۳۸۷). علی لاریجانی، "غلط‌های آقای قوچانی"، در محمد قوچانی، پدرخوانده و چپ‌های جوان، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹، ۲۰۱. توضیح‌های آقای لاریجانی در این مطلب در نامه‌ای خطاب به روزنامه عصر آزادگان، در پاسخ به مقاله‌ای از آقای قوچانی با تاریخ ۳ اردیبهشت ۱۳۸۲ نوشته شده بود، اما به دلیل توقیف روزنامه به چاپ نرسید.



برای ویدئو کلاب‌ها فراهم آورد.<sup>۳۳</sup> اما منتقدان، این اقدام را سرپوشی برای «هدف واقعی، یعنی اعمال محدودیت‌های نامحسوس بر مطبوعات، نشر کتاب، و سینما» توصیف کردند.<sup>۳۴</sup>

## باغی نه چنان پر گل

در دوره ریاست جمهوری آقای رفسنجانی مطبوعات ایران تجارب متضادی را از سر گذراندند که در مجموع به رشد کمی منجر شد، اما فرصت کافی برای رشد توانائی‌های فنی روزنامه‌نگاری به وجود نیاورد. از یک سو، دوره‌های آموزشی و نمایشگاه طرح و کاریکاتور برگزار می‌شد؛ از سوی دیگر انتشار طرحی شبیه به آیت‌الله خمینی به توقیف هفته‌نامه فراد منجر شد.<sup>۳۵</sup> درخواست روزنامه‌نگاران برای اجرای قانون اساسی در مورد رسیدگی به اتهام‌های وارد شده به مطبوعات در دادگاه و در حضور هیأت منصفه پذیرفته شد و هیأت منصفه در یک محاکمه پرسرو صدا ماهنامه گردون را که به خاطر طرحی بر روی جلد آن توسط دادستانی انقلاب توقیف شده بود تبرئه کرد.<sup>۳۶</sup> اما از انتشار چند نشریه دیگر جلوگیری شد، از جمله جهان اسلام، متعلق به حجت الاسلام سیدهادی خامنه‌ای، برادر آیت‌الله خامنه‌ای، که به اهانت به رهبران جمهوری اسلامی متهم شده بود؛ هفته‌نامه حوادث که با گزارش جرم و جنایت خوانندگان بسیاری پیدا کرده بود؛ و ماهنامه تکاپو، که آثار روشنفکران معترض را چاپ می‌کرد. روزنامه رنگی ایران، متعلق به «خبرگزاری جمهوری اسلامی»، و هفته‌نامه یالثارات الحسین، که به متفکران دنیوی و شخصیت‌های درون جمهوری اسلامی که ممکن بود لیبرال یا اصلاح‌طلب توصیف شوند به شدت حمله می‌کرد، از نشریات چشمگیر دیگری بودند که در این سال‌ها ظاهر شدند.<sup>۳۷</sup>

در سومین سال ریاست جمهوری آقای رفسنجانی، ۱۳۷۱، هم تعداد و تنوع دیدگاه‌های نشریات ایران و هم تعداد کسانی که برای امرار معاش، نه برای پیش بردن آرمانی سیاسی، در مطبوعات کار می‌کردند افزایش یافته بود. پژوهشی در این سال بر پایه نظرسنجی از ۲,۱۴۵ روزنامه‌نگار نشان داد که ۵۲ درصد آنان به صورت تمام وقت (۲۷ درصد) یا نیمه وقت (۲۵ درصد) و بقیه به صورت پاره وقت یا آزاد مشغول کار بودند. بیش از ۵۰ درصد از روزنامه‌نگاران در نشریات متعلق یا وابسته به دولت کار می‌کردند. بیش از دو سوم آنان دارای تحصیلات دانشگاهی، غالباً در زمینه‌هایی جز روزنامه‌نگاری یا ارتباطات، بودند. متوسط تجربه ۴/۱۴ سال بود و تنها ۲۵ درصد شرکت‌کنندگان در نظرسنجی در دوره انقلاب که پرشورترین دوره روزنامه‌نگاری معاصر ایران بود در مطبوعات کار کرده بودند. سن متوسط در مورد روزنامه‌نگاران مرد ۳۸/۱ سال و در مورد زنان ۳۲/۸ سال بود. زنان ۲۷۸ نفر، یا در حدود ۱۳ درصد، روزنامه‌نگاران را تشکیل می‌دادند.<sup>۳۸</sup>

<sup>۳۳</sup> رسانه، سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۳، ۸۷.

<sup>۳۴</sup> عیسی سحرخیز، مدیرکل پیشین مطبوعات داخلی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سخنرانی در آلمان، نقل شده در تورنمای فارسی زبان ایران امروز، <http://www.iran-emrooz.de/khabar/saharkh820309.html>، (دسترسی ۲۱ مرداد ۱۳۸۵).

<sup>۳۵</sup> رسانه، سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۱، ۹۱.

<sup>۳۶</sup> رسانه، سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۱، ۹۳. حکم هیأت منصفه به امضای این آقایان رسید: سید مصطفی محقق داماد، محمد تقی فاضل میبیدی، سید عطا، الله مهاجرانی، محمد جواد صاحبی، جلال رفیع، احمد پورنجاتی، و دکتر گودرز افتخار جهرمی.

<sup>۳۷</sup> قاسمی، رویدادهای مطبوعاتی، ۱۵۱-۱۴۶.

<sup>۳۸</sup> مهدی محسنیان راد و همکاران، «پیام آوران مطبوعات ایران» بخش ۱، رسانه، سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۲، ۱۷-۴. سه سال بعد، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، آقای میرسلیم، گزارش داد که بیش از ۸۰ درصد روزنامه‌نگاران ایرانی کم‌تر از ۴ سال سابقه کار داشتند - روزنامه هموطن سلام، ۷ اردیبهشت ۱۳۷۴.

اما مقایسه تعداد و ترکیب روزنامه‌نگاران در سال ۱۳۷۱ با جامع‌ترین آمار روزنامه‌نگاران پیش از انقلاب، در کتاب چهره مطبوعات معاصر، که در سال ۱۳۵۲ منتشر شد،<sup>۳۹</sup> بدنه شکننده‌تری را نشان می‌داد. اگرچه جمعیت کشور در این دو دهه تقریباً ۷۰ درصد افزایش یافته بود، تعداد روزنامه‌نگاران تمام وقت با ۸ درصد افزایش از ۵۳۶ به ۵۷۹ رسیده بود. در مقابل، تعداد روزنامه‌نگاران پاره وقت بیش از ۱۰ برابر شده و از ۱۵۴ به ۱،۵۶۶ نفر رسیده بود. در مقایسه با رونق نفتی دهه ۱۳۵۰، صنعت روزنامه‌نگاری ایران در آغاز دهه ۱۳۷۰ می‌توانست با استفاده از بیکاری گسترده ناشی از آشفتگی اقتصادی پس از انقلاب و ویرانی جنگ، جوانانی را به صورت پاره وقت به کار بگیرد که تحصیلاتی بیشتر از همکاران تمام وقت خود داشتند (۸۵ درصد فارغ‌التحصیل دانشگاه در مقابل ۶۰ درصد)،<sup>۴۰</sup> اما ناچار بودند دستمزد کم‌تر و شرایط کار نامطمئن‌تری را بپذیرند. روزنامه‌نگاری منبع اصلی درآمد ۳۲/۶ درصد کل شرکت کنندگان در نظرسنجی ۱۳۷۱ بود، اما در میان پاره وقتان این نسبت به حدود ۱۰ درصد کاهش می‌یافت و بقیه ناچار بودند ۹۰ درصد درآمد خود را از شغل‌های دیگری تأمین کنند، که در بسیاری از موارد (۴۲/۹ درصد) ارتباطی با روزنامه‌نگاری نداشت. درآمد متوسط ماهانه در مورد روزنامه‌نگاران تمام وقت ۱۲۴،۲۹۰ ریال (معادل ۷۷/۷ دلار) و در مورد پاره وقتان ۷۸،۶۶۳ ریال (۴۹ دلار) بود. صاحبان امتیاز به‌طور متوسط هر ماه ۱،۷۸۸،۵۷۱ ریال (۱۱۲،۱ دلار)، یعنی بیش از ۱۴ برابر درآمد روزنامه‌نگاران تمام وقت و ۲۲ برابر درآمد روزنامه‌نگاران پاره وقت، به‌دست می‌آوردند.<sup>۴۱</sup>

## خوانندگان کم‌شمار

در پژوهش سال ۱۳۷۱، اطلاعات نگران‌کننده‌ای نیز در ارتباط با تیراژ روزنامه‌ها به‌دست آمد. مصرف سالانه کاغذ روزنامه هر فرد در ایران ۶۰۰ گرم بود و در پاکستان ۴۰۰ گرم، در عراق ۱/۸ کیلو، در ترکیه ۲/۴ کیلو، در کویت ۹/۸، در آلمان ۲۳/۵ و در ایالات متحده ۵۱/۶. با توجه به اینکه ۶۵ درصد کاغذ روزنامه در ایران برای تولید روزنامه‌های یومیه به کار می‌رفت، پژوهش‌گران نتیجه گرفتند که کیفیت روزنامه باید در سطح نازل مصرف کاغذ تأثیر گذاشته باشد. کیفیت روزنامه‌ها از یک سوبه عوامل ساختاری مانند شکل مالکیت، فن‌آوری و ماشین‌آلات، و از سوی دیگر به کارکنان روزنامه‌ها و توانایی حرفه‌ای و درآمد آنان بستگی داشت. کمبود تیراژ، درآمد آگهی را محدود می‌کرد و کمبود درآمد آگهی، ناشر را از استخدام کارکنان ماهر باز می‌داشت. در نتیجه ممکن بود روزنامه‌ها به وقفه‌های مکرر یا حتی «مرگ زودرس» دچار شوند. وضع نشریات تخصصی که ۴۹ درصد عناوین نشریات را تشکیل می‌دادند و افزایش تعدادشان نقش بزرگی در

<sup>۳۹</sup> غلامحسین صالحیار، چهره مطبوعات معاصر، تهران، پرس آجنت، ۱۳۵۲.

<sup>۴۰</sup> محسنیان راد و همکاران، "پیام آفرینان مطبوعات ایران"، بخش ۱، رسانه، سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۲، ۱۰-۹.

<sup>۴۱</sup> محسنیان راد و همکاران، "پیام آفرینان مطبوعات ایران"، بخش ۲، رسانه، سال چهارم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۲، ۲۷-۲۲. نرخ "بازار آزاد" دلار در سال ۱۹۹۲ از محمد هاشم پسران، Economic Trends and Macroeconomic Policies in Post-Revolutionary Iran (گرایش‌های اقتصادی و سیاست‌های اقتصادکلان در ایران پس از انقلاب)، کمبریج، دانشگاه کمبریج، اوت ۱۹۹۸، منحنی ۴، ۲۲، <http://www.econ.cam.ac.uk/fac>، (دسترسی ۲۱ مرداد ۱۳۸۷).

بهبود اخیر چهره مطبوعات ایران داشت از این هم بدتر بود. تیراژ این نشریات کم، نیروی کارشان پاره وقت، و پشتوانه مالی شان ضعیف بود. تاریخ مطبوعات ایران عمر متوسط چنین نشریاتی را در حدود شش سال نشان می‌داد. از آنجا که مطبوعات علمی و تخصصی کم‌تر زیر فشار سیاسی قرار داشتند، پژوهش‌گران به این نتیجه رسیدند که مرگ زودرس اینگونه نشریات باید ناشی از مشکلات داخلی و ساختاری و الگوی مصرف روزنامه در ایران باشد. به گفته پژوهشگران، بسیاری از نشریات ایران «نهال‌هایی» بودند که ممکن بود «حتی در مقابل وزش‌های کم قدرت توان ایستادگی نداشته باشند.» اینگونه نشریات «به حمایتی وسیع، چه از نظر نرم افزاری و چه از نظر سخت افزاری نیاز» داشتند «تا بتوانند به صورتی ریشه‌دار روی پای خود بایستند و یک مشکل ۱۵۰ ساله را حل کنند.»<sup>۴۲</sup>

دو سال بعد، در سال ۱۳۷۳، پژوهشی درباره اقتصاد مطبوعات ایران و «بازده سالانه بسیار منفی» سرمایه در آن نشان داد که ۷۰ درصد سرمایه اولیه مطبوعات برای تأمین محل نشریه و هزینه‌های جاری دو سه شماره نخست آن صرف می‌شد. ۷۵ تا ۸۸ درصد هزینه‌های تولید به کاغذ و مواد چاپ تعلق می‌گرفت که غالباً وارد می‌شد و به علت نوسان‌های نرخ ارز، مدیران نشریات بر آن تسلطی نداشتند. نشریات بخش خصوصی با رقابت نشریات دولتی روبرو بودند که یارانه‌های سنگینی دریافت می‌کردند و می‌توانستند قیمت روی جلد و نرخ آگهی را کاهش بدهند. ناشران بخش خصوصی می‌توانستند یا برای کاهش هزینه از دست‌مزد حق التحریر بکاهند و در نتیجه مطالبی با کیفیت نازل چاپ کنند؛ یا برای افزایش درآمد، کاغذی را که با نرخ یارانه‌ای از دولت دریافت می‌کردند در بازار آزاد بفروشند؛ یا هر دو کار را انجام دهند. پژوهشگران اگر چه معتقد بودند که دولت به زودی ناچار خواهد شد دادن یارانه به مطبوعات را متوقف کند، می‌گفتند پرداخت یارانه‌ها باید تا زمان «بهبود واقعی بازده سرمایه» ادامه پیدا کند. پژوهشگران همچنین به ناشران مطبوعات توصیه کردند که برای کاهش هزینه‌هایشان از امکانات متمرکز، مانند تسهیلات چاپ مشترک، استفاده کنند.<sup>۴۳</sup>

## از خویشتن ناخرسند

پژوهشی دیگر در سال ۱۳۷۳ که نظرات ۳۱۵ روزنامه‌نگار (۱۲ درصد زن) را منعکس می‌کرد نشان داد که فشارهای اجتماعی-سیاسی و ساختاری بر مطبوعات از احترام روزنامه‌نگاران به حرفه‌شان کاسته است. شرکت‌کنندگان در نظرسنجی با تجربه متوسط ۸/۱ سال در نشریاتی گوناگون عمدتاً در تهران کار می‌کردند و ۷۵ درصد انتقادهای آنان ۱۰ موضوع را برمی‌گرفت:

(۱) خودسانسوری و سانسور؛ (۲) کلیشه‌ای بودن محتوای مطبوعات و نبودن خلاقیت؛ (۳) کمبود روزنامه‌نگار متخصص؛ (۴) خطی و سیاسی شدن مطبوعات (۵) عدم شناخت سلیقه‌ها و نیازهای خوانندگان و ناتوانی در

<sup>۴۲</sup> مهدی محسنیان راد، «نگاهی به مطبوعات ایران در مقایسه‌های جهانی»، رسانه، سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۲، ۲۷-۲۲.

<sup>۴۳</sup> حسین مقیمی اسفندآبادی و قاسم روشناس، «مطبوعات ایران و مشکل بازدهی سرمایه»، رسانه، سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۴، ۵۲-۳۶. برای اطلاع از درآمد آگهی مطبوعات روزانه نگاه کنید به مهران سهراب زاده، «مطبوعات در آئینه تبلیغات»، رسانه، سال ششم، شماره ۳، پائیز ۱۳۷۴، ۸۸-۷۸.

دسترسی به بازخورد؛ ۶) عدم رعایت اصول روزنامه‌نگاری؛ ۷) تجاری و تبلیغاتی شدن مطبوعات؛ ۸) عدم توجه روزنامه‌نگاران به مسائل واقعی اجتماع؛ ۹) عدم امنیت شغلی روزنامه‌نگاران؛ و ۱۰) تبلی خبرنگاران و متکی بودن به اخبار خبرگزاری‌ها.

برخی از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی روزنامه‌های محل کارشان را چنین توصیف کردند: «نامشروع، تجارتخانه، مبتذل، تشریفاتی، بی‌تنوع، بی‌کیفیت، تلفنی، بی‌هویت، مادی‌گرا، کر، کور، لال، فلج، تنگ نظر، منفعت طلب، هر دمبیل، نان بیات، بی‌سر و سامان، تک‌قطبی، غیر مستقل، و ترشی لپته.» شرکت‌کنندگان در نظرسنجی برای توصیف روزنامه‌نگاران - یعنی خود آنان، یا شاید همکارانشان - صفاتی حتی بدتر به کار بردند:

بی‌هویت، بی‌دقت، سرگردان، بی‌منزلت، بی‌باور به خود، عنصری منکوب، آدمی مقهور، قلم به مزد، فضول، سخن‌چین، مغضوب مردم و مسئولان، منفعل، منزوی، مهره، میرزابنویس، آسیب‌پذیر، پته‌برآب‌ریز، بی‌صلاحیت، بی‌مسئولیت، ناصداق، خودسانسور، کاتب، املانویس، خسته، بی‌جرات، بی‌شهامت، سست، چند شغله، سودجو، عافیت طلب، کم‌سواد، بی‌ایمان، بی‌جوهر، شتابزده، بی‌فهم، بی‌علم، غرض‌ورز، بندباز، بی‌حوصله، بی‌انگیزه، کم‌کار، مسئولیت‌ناپذیر، سطحی‌نگر، پنهان‌کننده حرف، کلی‌گو، مصلحت‌اندیش، معتقد به باری به هر جهت، سرسپرده، بی‌ابتکار و فاقد صلاحیت، نا آشنا با فرهنگ ایران، فاقد جهان‌نگری، دغدغه دار نان و آب، لگدمال‌کننده همکاران، دارنده هواهای نفسانی، بی‌اعتقاد به مردم، متملق دستگاه حاکم، پنهان‌کننده حرف دل، ملعبه دست دیگران، نگران آینده، و مقلد طوطی وار.<sup>۴۴</sup>

به تعبیر نویسنده‌ای دقیق و بسیار محتاط، چشمگیرترین فرآورده‌های چنین صنعتی روزنامه‌هایی بودند که بیشتر تیتراهای طولانی صفحه اول شان، با سبکی حاکی از «کاهلی در نگارش اخبار»، نوشته «قلم به دست‌های بی‌تخصص»، به مسائلی اختصاص داشت که «مورد نظر مردم» نبودند، و «عموماً چهره‌ای منفی از جهان اطراف ما ترسیم» می‌کردند. به نظر می‌رسید «بدیهی‌ترین واکنش جامعه مخاطبان به چنین امری (البته در میان مدت) بی‌اعتمادی نسبی به رسانه‌ها باشد.»<sup>۴۵</sup> بررسی دیگری نشان داد پنج روزنامه صبح که همه پس از انقلاب شروع به کار کرده بودند و هیچ یک روزنامه‌نگار ورزیده‌ای در اختیار نداشتند عمدتاً گزارش‌های خبرگزاری‌ها، به‌ویژه خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی، را منتقل می‌کردند. در بسیاری از گزارش‌ها منبع خبر ذکر نمی‌شد.<sup>۴۶</sup> یک بررسی دیگر به این نتیجه رسید که قدیمی‌ترین روزنامه‌های کشور، اطلاعات و کیهان، از عکس به ندرت و بد استفاده می‌کردند و میزان استفاده از تیتراهای ورزشی، هنری و فرهنگی در صفحات اول بعد از انقلاب کاهش چشمگیری یافته بود، در حالی که جوانان که یک سوم جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند و «عدم توجه به خواست‌ها و گرایش‌های آن‌ها» می‌توانست «گامی در جهت دور کردن آن‌ها از مطبوعات و سوق دادن آن‌ها به

<sup>۴۴</sup> دکتر مهدی محسنیان راد و همکاران، "انتقاد روزنامه‌نگاران از مطبوعات"، رسانه، سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۳، ۱۳-۸.

<sup>۴۵</sup> محمود عمادی کوچک، "یک سال با تیترا اول - تحلیل محتوای تیتراهای اول هفت روزنامه تهران"، رسانه، سال ششم، شماره ۳، پائیز ۱۳۷۴، ۴۴-۵۱.

<sup>۴۶</sup> اکرم دیداری، "سهم روزنامه‌های صبح از منابع خبری"، رسانه، سال ششم، شماره ۳، پائیز ۱۳۷۴، ۵۷-۵۲.

سوی مظاهر فرهنگ بیگانه باشد.»<sup>۴۷</sup>

در اواسط دهه ۱۳۷۰، تازه‌ترین و شاید موفق‌ترین پدیده مطبوعات ایران هفته‌نامه‌های نیم‌ورقی بودند که صفحه اولشان را با تیتراهای بزرگ، غالباً به رنگ قرمز، و تصاویر بازیکنان فوتبال پر می‌کردند. صفحات داخلی هم پر از خبرهای ورزشی بود و مطالبی درباره هنرپیشه‌های سینما و تلویزیون ایران و جهان، و گاه انتقاد از وضع ترافیک، آموزش و یا قیمت مواد غذایی. برخی از این هفته‌نامه‌ها داستان‌هایی با مضامین اخلاقی و عشقی، از نویسندگان نسبتاً گمنام چاپ می‌کردند. همین سبک ادبی در بازار کتاب نیز موفقیت بی‌سابقه‌ای به دست آورد و خشم برخی از چهره‌های جاافتاده‌تر ادبیات ایران را برانگیخت.<sup>۴۸</sup>

دوره دوم ریاست جمهوری آقای رفسنجانی (۷۶-۱۳۷۲) در زمینه مطبوعات شاهد سه تحول عمده بود: نخست برگزاری اولین «جشنواره مطبوعات» توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، که در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۷۳، «همزمان با» روز جهانی آزادی مطبوعات» آغاز شد. از میان ۱۱۲ نشریه که در این جشنواره شرکت داشتند داوران هیچ‌یک را «سزاوار مقام اول ندانستند» و مقام دوم را «به‌طور مشترک» به همشهری و کیهان و جوایز دیگری هم به اطلاعات و جمهوری اسلامی و چند نشریه دیگر دادند. استادان ارتباطات که در جشنواره حضور داشتند پیشنهاد کردند که جشنواره‌های آینده را تشکل‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاران برگزار کنند و جوایز نیز به جای نشریات به روزنامه‌نگاران برتر داده شوند.<sup>۴۹</sup> دومین تحول مهم آن بود که طرح جدیدی برای قانون مطبوعات که «تعدادی از نمایندگان مجلس» تنظیم کرده بودند، پس از چند دور بحث در کمیسیون فرهنگ و ارشاد اسلامی، در مهرماه ۱۳۷۴ رد شد و کمیسیون اعلام کرد که «نیازی به تغییر قانون مطبوعات موجود احساس نمی‌شود.»<sup>۵۰</sup> تقریباً همه ناشران مطبوعات، از جمله برخی از روحانیان مطبوعاتی، با طرح مخالفت کرده و گفته بودند با تصویب آن مطبوعات بیش از پیش محدود خواهند شد.<sup>۵۱</sup> دولت نیز طرح را «خام و غیر کارشناسی» توصیف کرده بود.<sup>۵۲</sup> چنانکه در فصل‌های بعد خواهد آمد، برخی از تغییراتی که در این طرح پیشنهاد شده بود، پنج سال بعد به قانون مطبوعات وارد شد. سومین تحول مهم مطبوعاتی در دوره دوم ریاست جمهوری آقای رفسنجانی ظهور نشانه‌های نگرانی در درون حکومت، از پدید آمدن نشریات انتقادی و محبوبیت آن‌ها بود.

### «پیشرو»، «خنثی»، «سطحی»، و «خفته»

در جریان دومین جشنواره مطبوعات در اردیبهشت ۱۳۷۴ که توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد، وزیر ارشاد، آقای میرسلیم، «سه‌میه ارزی مطبوعات» در آن سال را ۵۰ میلیون دلار اعلام کرد؛ از تخصیص «بیش

<sup>۴۷</sup> محمد مهدی فرقانی، «مطبوعات و تحولات اجتماعی در ایران»، رسانه، سال هفتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۵، ۴۲-۳۰.

<sup>۴۸</sup> مثلاً کتاب بسیار پر فروش بامداد خمار، نوشته خانم فتانه حاج سید جوادی - نگاه کنید به «تورنمای بانوان دوستدار رمان ایرانی (بدرا)»، <http://badra.persianblog.ir/page/fhsj>، و داستان‌های خانم فهیمه رحیمی - نگاه کنید به تورنمای «انجمن دوستداران و طرفداران فهیمه رحیمی»، <http://fahimehrahimi.ir/Default.asp> (دسترسی ۲۷ مهر ۱۳۸۷).

<sup>۴۹</sup> فرید ادیب هاشمی، «نگاهی به نخستین جشنواره مطبوعات»، رسانه، سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۳، ۶۱-۵۰.

<sup>۵۰</sup> رسانه، سال ششم، شماره ۳، پائیز ۱۳۷۴، ۱۱۵.

<sup>۵۱</sup> برای اطلاع از برخی از انتقادهای نگاه کنید به جمهوری اسلامی، ۱۵ شهریور ۱۳۷۴، و آدینه، شماره ۱۰۲، مرداد ۱۳۷۴، ۵۳-۴۹.

<sup>۵۲</sup> رسانه، سال ششم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۴، ۱۳۱.

از ۲۰ میلیارد ریال سوبسید برای خرید کاغذ و لوازم مورد نیاز مطبوعات»، با اولویت پرداخت به مطبوعات استان‌ها خبر داد که «۳۰ درصد نشریات کشور» را تشکیل می‌دادند؛ و گفت دولت تلاش می‌کند تیراژ مطبوعات را از ۱/۵ میلیون نسخه در روز به ۶ میلیون برساند. آقای میرسلیم گفت «۷۰ درصد جمعیت روزنامه‌خوان کشور در سنین کم‌تر از ۲۵ سال هستند» اما «در حال حاضر تنها به حدود ۲۰ درصد نیازهای این مخاطبین پاسخ داده می‌شود.» دبیرخانه جشنواره اعلام کرد که «بیش از ۷,۰۰۰ اثر از حدود ۱,۵۰۰ روزنامه‌نگار و دست‌اندرکار بیش از ۴۰۰ نشریه» دریافت کرده و از این میان «۲۴۰ اثر را به‌عنوان آثار برگزیده به هیأت داوران» معرفی کرده بود. تنها دوتن از ۷ عضو هیأت داوران ارتباط مستقیمی با مطبوعات داشتند. برخی از برندگان رده اول، این نویسندگان بودند: کاوه باسمنجی و عباس سلیمی نمین (سرمقاله)؛ کیومرث صابری فومنی (طنز)؛ جمیله کدیور (گفتگو)؛ رجبعلی مزروعی (نقد سیاسی، اجتماعی و مقاله فرهنگی، هنری)؛ حمید مولانا (یادداشت سیاسی، اقتصادی)؛ و یوسفعلی میرشکاک (نقد هنری، ادبی). رئیس جمهور رفسنجانی در جمع برگزیدگان جشنواره گفت «مطبوعات جوان ایران، پس از انقلاب اسلامی از رشد کمی نسبتاً مطلوبی برخوردار بوده و از لحاظ کیفی نیز به دلیل شرایط خاص انقلاب اسلامی و برخورداری از محتوای آرمانی و پایبندی به هدف‌ها و ارزش‌های مقدس اسلامی در دنیا بی‌نظیر بوده است.»<sup>۵۳</sup>

در نشست با عنوان "وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مطبوعات و چشم‌انداز آینده"، دبیر دومین جشنواره، علی‌انتظاری، گفت «عادت به مطالعه مطبوعات در جامعه ما نهادی نشده و در جشنواره، به‌عنوان نمادی از مطبوعات کشور، باید مطبوعات را به صورتی متشخص به مردم معرفی کرد.» آقای انتظاری «شرکت وسیع مطبوعاتی‌ها» را نشانه خوش‌بینی آنان نسبت به جشنواره دانست. اما مدیر کل مطبوعات داخلی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، حسین انتظامی، مطبوعات ایران را در چهار گروه «پیشرو و هدفدار»، «خنثی»، «سطحی»، و خفته» جا داد و از سه گروه آخر انتقاد کرد. آقای انتظامی گفت مطبوعات «پیشرو و هدفدار» با «شناخت صحیح وضعیت اجتماع» و «تشخیص مقتضیات جامعه»، «حساس‌ترین مسائل اجتماعی را مطرح می‌کنند.» او برخی از نشریات ورزشی را دارای «انگیزه‌های اقتصادی»، «مروج سطحی‌نگری در جامعه»، «فاقد فرهنگ مطبوعاتی»، و «عامل لمپنیسم» توصیف کرد و در مورد مطبوعات «خنثی» گفت این گروه از نشریات در شرایط «نیاز به طرح مسائل اجتماعی برای تحرک آفرینی به نحوی عمل میکنند که بود و نبودشان فرقی ندارد.» در مورد «مطبوعات خفته»، آقای انتظامی گفت «جریان‌های روشنفکری در کشور ما همواره مریض بوده و نشریات وابسته به آن‌ها نیز نسبت به بسیاری از مسائل سکوت می‌کنند. به‌عنوان مثال، این نشریات ساده‌ترین رویدادها در دورافتاده‌ترین نقطه دنیا را مطرح می‌کنند، ولی به هشت سال دفاع مقدس اشاره‌ای ندارند.» آقای انتظامی گفت «متأسفانه پیشروی مطبوعات خفته و خنثی زیاد است و ما تلاش می‌کنیم که با اتخاذ

<sup>۵۳</sup> ۷ روز با روزنامه‌نگاران در دومین جشنواره مطبوعات"، رسانه، سال نهم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۴، ۷۴-۷۱. دو عضو مطبوعاتی هیأت داوران عبارت بودند از: سید مهدی شجاعی، نویسنده، و دکتر گودرز افتخارچهرمی، مدیر مسئول فصلنامه حقوق و نماینده سابق مدیران مسئول در هیأت نظارت بر مطبوعات.

سیاست‌هایی، جریان سالم مطبوعات را تقویت کنیم.»<sup>۵۴</sup>

### «موافق»، «بی تفاوت»، و «معاند»

در سومین جشنواره مطبوعات در اردیبهشت ۱۳۷۵ که نخستین نمایشگاه نشریات کودکان و نوجوانان را نیز در بر می‌گرفت ۳۰۰ نشریه به نمایش گذاشته شد. جشنواره «بیش از ۶,۰۰۰ اثر از ۲,۰۴۳ روزنامه‌نگار، نویسنده و هنرمند» دریافت کرده بود و داوری به کسانی واگذار شده بود که «سال‌ها در یک یا چند نشریه» کار کرده بودند و یا «موقعیت اجرائی یا تدریس در جامعه» داشتند. برگزیدگان بیش از ۴۰ رشته در رده اول «یادمان و لوح افتخار جشنواره و تشرف به حج عمره» و در رده دوم «یادمان و لوح تقدیر و تشرف به آستانه حضرت زینب (س) در سوریه» را از رئیس مجلس شورای اسلامی، حجت الاسلام علی اکبر ناطق نوری، دریافت کردند. برخی از جوایز در این زمینه‌ها داده شد: «نقد اقتصادی»، نقی آقالواز سلام، برای «قراردادهائی که نباید بسته شوند»؛ گزارش خبری: ژیلان بنی یعقوب از همشهری برای «ایدز بیماری است یا جنایت؟»، و انصاف‌علی هدایت از سلام برای «جدامیان، زندانیان باورهای کهنه»؛ «گزارش تحقیقی»: مینو بدیعی از کیهان برای «وقتی من می‌میرم تو زنده می‌شوی»، و کاوه باسمنجی از صنعت حمل و نقل برای «تحریم آمریکا، چالشی دیگر»؛ «گفتگو»: مهدی نصیری از صبح برای «چهره به چهره»؛ «طنز تصویری»: نیک آهنگ کوثر برای «آثار مندرج در گل آقا و همشهری»؛ «طنز مکتوب»: یوسف‌علی میرشکاک از نیستان برای «دیپلمات نامه»؛ و «ستون ویژه»: حمید مولانا از کیهان برای «توطئه غرب در بوسنی و فلسطین: صلح بدون عدالت!» در زمینه «سرمقاله» جایزه‌ای داده نشد. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، آقای میرسلیم، از صدور ۷۵۰ امتیاز نشر روزنامه و مجله خبرداد و گفت «با مطالعاتی که در سال گذشته صورت گرفته پیش بینی می‌شود در سال جاری تشکل صنفی خبرنگاران به منظور حفظ هویت فکری و فرهنگی جامعه مطبوعاتی ایجاد شود.» آقای میرسلیم گفت «نشریات تا جایی که در انعکاس جنبه‌های انتقادی و اجتماعی در مبانی اعتقادی مردم اخلاص ایجاد نکنند می‌توانند آزادانه فعالیت داشته باشند.»<sup>۵۵</sup>

نظر سنجی از بیش از ۶,۰۰۰ «زن و مرد ۱۵ سال به بالای باسواد تهرانی» هم‌زمان با جشنواره‌های دوم و سوم نشان داد که نزدیک به هشتاد درصد آنان روزنامه و مجله می‌خواندند، اما به‌طور متوسط در حدود ۱۸ دقیقه در شبانه روز. بیشتر خوانندگان مطبوعات را جوانان تشکیل می‌دادند، که در کل جمعیت کشور نیز اکثریت داشتند. در فاصله سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴، سهم زنان در مطالعه مطبوعات از ۱۲/۴ درصد به ۲۹/۶ رسیده و آنان را پس از «گروه شاغلین» در رده دوم قرار داده بود. در فاصله سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳، علاقه به اخبار سیاسی از مرحله اول به دوم نزول کرده و توجه به اخبار حوادث از سوم به اول رسیده بود. بیش از ۸۵ درصد خوانندگان به سه روزنامه کیهان، همشهری، و اطلاعات علاقه داشتند و کیهان که در سال ۱۳۷۳ اندکی از همشهری جلو بود (۳۰/۱ درصد

<sup>۵۴</sup> ۷ روز با روزنامه نگاران در دومین جشنواره مطبوعات، ۸۲-۸۱.

<sup>۵۵</sup> منوچهر محمدشمیرانی، «جشنواره سوم - روزنامه نگاران زیر یک سقف»، رسانه، سال هفتم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۵، ۹۵-۸۶.

در برابر ۳۰ درصد)، در سال ۱۳۷۴ اندکی از رقیب جوان خود عقب افتاده بود (۳۶/۶ درصد در برابر ۳۶/۸ درصد). شرکت‌کنندگان در نظر سنجی «خواستار انعکاس و درج بیشتر واقعیت‌ها»، کاهش بهای نشریات، پرهیز از «مطالب تکراری»، و استفاده از «تصاویر رنگی و زیبا» بودند.<sup>۵۶</sup>

در نظر سنجی دیگری حدود ۲,۳۰۰ بازدید کننده جشنواره سوم شرکت داشتند که ۷۸ درصد مرد، و ۸۴ درصد جوان و نوجوان بودند، و متوسط تحصیلاتشان (۱۴/۶ سال) از متوسط جمعیت بالای ۲۵ سال کشور (۳/۹ سال) به مراتب بالاتر بود. ۸۰ درصد آنان تهرانی بودند، و از این میان ۸۰ درصد در شمال تهران که جشنواره در آن برگزار شده بود زندگی می‌کردند. اما اکثر بازدید کنندگان شهرستانی (۶۱ درصد) فقط برای شرکت در نمایشگاه به تهران آمده بودند، که نشانه علاقه جدی آنان به مطبوعات بود. اکثریت بزرگی از شرکت‌کنندگان (۷۳ درصد) گفتند کمیت و کیفیت مطبوعات در سال‌های اخیر بهبود یافته و بیش از ۸۰ درصد گفتند در خانه‌هایشان هر روزنامه را ۲ تا ۵ نفر می‌خواندند. بیش از ۵۰ درصد گفتند به مطبوعات بیشتر اعتماد دارند تا به مسئولان، و میزان اعتماد به مطبوعات متناسب با سطح تحصیل آنان افزایش می‌یافت. میزان اعتماد به مسئولان در میان «جوانان» (گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال) بسیار کم‌تر از نوجوانان و بزرگسالان (به ترتیب ۲۸/۶ درصد، ۵۲ درصد و ۴۰ درصد) بود. از نظر «اولویت انتخاب» خوانندگان، این نشریات در رده اول تا پنجم قرار داشتند: روزنامه‌های همشهری، اطلاعات، کیهان، سلام، و ایران؛ هفته‌نامه‌های پیام دانشجو (که سال بعد توقیف شد)، گل آقا، صبح، و دانستنیها (که در سال ۱۳۷۹ به مدت سه سال توقیف شد)؛ و ماهنامه‌های فیلم، کامپیوتر، دانشمند، ماشین، و گزارش فیلم. در میان فصلنامه‌ها رسانه، نشریه «مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی»، از انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با ۲۳ درصد خواننده، بسیار جلوتر از ۷ نشریه دیگر (هنر، فارابی، مترجم، خاورمیانه، نقد سینما، گفتگو، و میراث فرهنگی) بود. در پاسخ به این پرسش که «جای کدام نشریه در جشنواره خالی بود؟» ۳۸ درصد از شرکت‌کنندگان در نظر سنجی از ۱۰۰ نشریه نام بردند، و «این حضور ذهن پاسخگویان بر میزان بالای مشارکت آنان با مطبوعات دلالت» می‌کرد. بیشتر پاسخگویان جای «نشریه‌های مردمی با آزادی بیان» و «نشریه‌های علمی، فنی و تخصصی» را در جشنواره خالی دانستند.<sup>۵۷</sup>

اما آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با مدیران و کارکنان نشریات حاضر در جشنواره از وضع مطبوعات اظهار نخرسندی کرد و گفت «کیفیت مطبوعات کشور، متناسب با تاریخ مطبوعات در این کشور نیست.» آیت‌الله خامنه‌ای گفت «روشنفکری در ایران، بیمار متولد شد» و هرگز «جریانی نشد که بتواند با مردم ایران مخلوط شود، انس بگیرد، از آن‌ها بیاموزد و به آن‌ها تعلیم دهد»، اما مطبوعات ایران «بیمار متولد نشدند»، و برخی از آنچه که ۹۰ سال پیش، در جریان انقلاب مشروطه، با «طنزهای پخته، ادبیات والا و مطالب حاکی از دلسوزی و علاقه‌مندی

<sup>۵۶</sup> "سنجش بهره‌مندی از مطبوعات: نزدیک شدن به نیاز واقعی مردم"، رسانه، سال هفتم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۵، ۹۵-۸۷.

<sup>۵۷</sup> دکتر عبدالحسین نیک‌گهر، "نظر سنجی از بازدیدکنندگان سومین جشنواره مطبوعات"، رسانه، سال هفتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۵، ۵۲-۴۸. تاریخ توقیف پیام دانشجو و توقیف و انتشار مجدد دانستنیها از قاسمی، رویدادهای مطبوعاتی، به ترتیب ۱۵۳، ۲۴۹ و ۳۵۰. تفاوت «اولویت انتخاب» این نظر سنجی با نظر سنجی‌های پیشین با توجه به ویژگی‌های جمعیتی بازدیدکنندگان جشنواره قابل توضیح است.



نسبت به سرنوشت کشور» چاپ شده بود «برای امروز هم خیلی کهنه نیست». آیت‌الله خامنه‌ای مطبوعات ایران را به سه دسته تقسیم کرد:

(۱) «اکثریت» مطبوعات، متشکل از «طیف وسیعی» که جمهوری اسلامی را قبول دارند، اگرچه ممکن است «بعضی منتقد به دولت» یا «معارض به فلان وزارتخانه و فلان تشکیلات و دستگاه» باشند؛ (۲) «مطبوعاتی که نسبت به نظام اسلامی بی‌تفاوتند»، مانند «مجلات علمی، مجلات فرهنگی محض، مجلات شعری، مجلات تخصصی و امثال اینها»؛ و (۳) «مطبوعات معاند»، که «البته تعدادشان زیاد نیست»، و «در پی آنند که حرفی بزنند؛ در بزنگاهی خاص، نیشی فرو کنند و زهری بریزند.»

آیت‌الله خامنه‌ای گفت مطبوعات موافق باید از تضعیف جمهوری اسلامی با ترسیم «افق مه آلود و تیره» خودداری کنند و «فروغ امید را در دل‌ها» نمیرانند. این روزنامه‌ها باید به مردم یادآوری می‌کردند که برای ایران «اهمیتی ندارد» که «امریکا جلوی ما سینه سپر کرده» یا «اسرائیل در صحنه بین‌المللی سگدو می‌زند»، یا اگر «اجناس و کالاها گران شده است؟ خوب؛ شده باشد. یک وقت هم ارزان خواهد شد». آیت‌الله خامنه‌ای گفت چنین مسائلی نباید باعث شود که «اصل و اصول انقلاب» یا اسلام با «نوشته‌های ناشیانه یا نوشته‌هایی که بعضی اشخاص، زیرکانه در مطبوعات» موافق «وارد می‌کنند، زیر سؤال برود». آیت‌الله خامنه‌ای همچنین به مطبوعات موافق هشدار داد که:

باید به کارها کیفیت دهید؛ هم به کارهای سیاسی، هم به کارهای فرهنگی و هم به کارهای ادبی. انسان گاهی اوقات در مطبوعات، صفحه شعر را می‌نگرد؛ اصلاً رغبت نمی‌کند بخواند. سرمقاله را نگاه می‌کند، اصلاً هیچ جاذبه‌ای ندارد. پس زیبایی در سخن چه شد؟! لطافت زبان فارسی چه شد؟! هنر نویسندگی چه شد؟! ذوق چه شد؟! مگر نه که این همه برای کیفیت بخشیدن به مطبوعات است؟! از واژه‌های سنجیده، تعبیرات زیبا و ترکیبات نواستفاده کنید. از هنر، از کاریکاتور و از عکس استفاده کنید. تحلیل‌های خوب چاپ کنید.

آیت‌الله خامنه‌ای گفت دولت باید به مطبوعات «بی‌تفاوت» در صورتی که «فرهنگ کشور را تقویت می‌کنند» یا «سواد مردم را زیاد می‌کنند، به ترویج ادبیات می‌پردازند و زبان فارسی را رواج می‌دهند» کمک کند. اما جمهوری اسلامی از این مطبوعات «انتظار زیادی» ندارد و «هر کس در این زمینه از فشار دستگاه سخن به میان می‌آورد، خلاف واقع و دروغ گفته است». آیت‌الله خامنه‌ای گفت «در مطبوعاتی که معاند با نظام جمهوری اسلامی هستند، عناصر نامطمئن، زیاد است»، از جمله «عناصری با گرایش مارکسیستی تند» که «با همین گرایش‌های مارکسیستی، بنای همکاری با ساواک را گذاشتند و یا در دفتر "فرح" مشغول فعالیت شدند»؛ کسانی که با رژیم شاه، علیرغم «اختناق سیاه» آن همکاری کرده و آن را می‌ستودند، اما «دم از آزادی می‌زنند»؛ و کسانی که

حتی ارزش‌های ایرانی محض را هم زیر پا می‌گذارند. مثلاً کریسمس را بر عید نوروز ترجیح می‌دهند! می‌پرسیم شما مگر ایرانی نیستید؟ می‌گویید بچه‌های ما از کریسمس بیشتر از عید نوروز خوششان می‌آید! خوب؛ بچه‌های شما غلط می‌کنند! وقتی در آن خانه و خانواده زندگی کنند، معلوم است که این‌طور می‌شوند! عید نوروز مگر مناسبت بدی است؟! کریسمس اول زمستان است؛ در یخ و برف و سرما. آیا بهتر از اول بهار و اول فروردین است؟

آیت‌الله خامنه‌ای گفت هر تهمتی را که دشمنان جمهوری اسلامی در خارج عنوان کردند - درباره «محدودیت زن»، «پایمال شدن حقوق بشر»، «تروریسم»، یا «بی‌کفایتی دولت» و این اتهام که «نظام اسلامی، نظام متحجر قرون وسطایی» است - «مطبوعات معاند» در داخل کشور تکرار می‌کنند. اگرچه تنها جمهوری اسلامی از تجزیه کشور جلوگیری کرده و پس از حمله عراق هشت سال «در مقابل اتحاد شرق و غرب و ناتو» مقاومت کرده بود، «در مطبوعات معاند، اگر یک وقت اسمی از دفاع مقدس و رزمندگان بیاید، همراه با مسخرگی است»، «چون رزمنده ما دارای محاسن است و اینها از محاسن خوششان نمی‌آید»، یا «به خاطر این‌که پیروان آن دین دارند.» آیت‌الله خامنه‌ای گفت نفی اصل انقلاب و نظام جمهوری اسلامی «خط قرمز»ی است که عبور از آن «قابل تحمل نیست.» آیت‌الله خامنه‌ای گفت با اینکه «مطبوعات معاند، تاکنون بارها خط قرمزها را تهدید کرده‌اند و بعد از این هم خواهند کرد»، با آنها «بر اساس اغماض رفتار می‌شود» و اگرچه «بنابر ایرادگیری، معجزگیری و سختگیری» نیست، «این وضع باید اصلاح شود.»<sup>۵۸</sup>

بحث و انتقاد درباره مهارت‌های حرفه‌ای و معیارهای اخلاقی رسانه‌ها ادامه یافت. فصلنامه رسانه در سرمقاله‌ای گفت «نشریات کشور [...] باید مسأله آموزش حرفه‌ای بخش‌های تحریری خود را جدی‌تر بگیرند و برای آن برنامه‌ریزی کنند» و مراکز آموزشی نیز کاری کنند که «تجربه‌های کاری دانشجوی روزنامه‌نگاری [...] در محیط‌های آموزشی شکل بگیرد، نه بعد از اشتغال و استخدام.»<sup>۵۹</sup> در نشست درباره «درست و نادرست نویسی»، زبان شناس و استاد دانشگاه، دکتر علی اشرف صادقی، گفت «مترجمان نااهل و کم‌سواد، که آشنائی زیادی با زبان فارسی ندارند و متن‌های خارجی را برای رسانه‌ها ترجمه می‌کنند، باعث آشفتگی در زبان فارسی شده‌اند.» عضو «فرهنگستان زبان»، دکتر احمد سمیعی گیلانی، آشفتگی را از «عوارض تحول زبان» دانست «که امری طبیعی و قهری است»، اما گفت زبان رسانه‌ای، که «با زبان پدر و مادرهای ما» متفاوت است، هم نقش مثبتی دارد، که «گسترده‌گی مخاطب» است، و هم نقش منفی، زیرا «به دلیل گسترده‌گی، هنگامی که غلطی را رایج کند، میزان پخش آن در میان مخاطبان گسترده‌تر است.»<sup>۶۰</sup> رسانه در سرمقاله بعدی خود، به مناسبت برپائی «نخستین هم‌اندیشی اخلاق روزنامه‌نگار مسلمان» در آذرماه

<sup>۵۸</sup> «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مدیران و مسؤولان مطبوعات کشور»، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۷۵، «دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای»، <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2799&q> (آخرین دسترسی ۳ مرداد ۱۳۸۷).

<sup>۵۹</sup> «کارگاه آموزش حرفه‌ای»، رسانه، سال هفتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۵، ۱. برای اطلاع بیشتر در این باره نگاه کنید به «فصل نهم: سازماندهی، آموزش، و کارآموزی».

<sup>۶۰</sup> منوچهر محمدشمیرانی، «زبان رسانه‌ای؛ نیازمند پیرایش، بررسی «درست و نادرست نویسی» در فرهنگسرای اندیشه»، رسانه، سال هفتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۵، ۹۵-۹۳.

۱۳۷۵، مطرح شدن موضوع اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در ایران را «در تاریخ ۱۶۰ ساله روزنامه‌نگاری کشور بی سابقه» توصیف کرد.<sup>۶۱</sup> «هم‌اندیشی» چهار روزه با شرکت «گروه کثیری از اندیشمندان، استادان علوم ارتباطات و پژوهشگران کشورمان و میهمانانی از کشورهای سوریه، پاکستان، مصر، آمریکا، لبنان، فیلیپین، آفریقای جنوبی و ترکیه» برگزار شد. «بیش از صد مقاله» به دبیرخانه «هم‌اندیشی» رسیده بود که هجده مقاله آن خوانده شد. رئیس مجلس شورای اسلامی، حجت الاسلام علی اکبر ناطق نوری، در پایان هم‌اندیشی گفت «روزنامه‌نگاران وابسته‌بیشترین توهین و خیانت را به جامعه مطبوعاتی دنیا کرده‌اند.» حجت الاسلام ناطق نوری گفت «روزنامه‌نگار نباید مرعوب قدرت‌های استکباری و فنون ارتباطات پیچیده و همچنین زندانی گروه‌های فشار شود. چنین فردی باید قلم را ببوسد و آن را کنار بگذارد.» حجت الاسلام ناطق نوری «امانت‌داری، حق‌گوئی، نقل‌خبر از منابع موثق، خلاقیت و نوآوری، شناخت جامعه و توجه به مسائل واقعی آن، سازش‌ناپذیری، آشنائی با ماهیت شبکه‌های ارتباطی دنیا، اعتراف به اشتباه‌های خود، انتقادپذیری، انعکاس درد مردم، دفاع از حقوق مظلومان، و امید دادن به مردم» را از جمله وظایف و رسالت‌های یک خبرنگار دانست.

بیانیه «هم‌اندیشی» در اولین ماده خواستار آن شد که «با تلاشی دوچندان انحصار رسانه‌های دنیای استکباری شکسته» شود. در ماده دوم آمده بود که «انسان، معمولاً تحت تأثیر هواهای نفسانی است و احتیاج به وسیله‌ای برای کنترل آن دارد. این وسیله چیزی جز عمل به تعالیم دینی نیست. اسلام عزیز چنان شرافت و ارزشی به روزنامه‌نگار می‌دهد که بر اساس آن تعهد فردی و وجدان شخصی او بالاترین ضمانت اجرای اصول اخلاقی خواهد بود.» بیانیه در مواد دیگر خواستار «نظامنامه‌های اخلاق حرفه‌ای» برای هر کشور اسلامی شد تا «در چارچوب ارزش‌های فرهنگی هر کشور بتواند جوابگوی نیازهای همان کشور باشد؛ و «تشکیل دبیرخانه دائمی هم‌اندیشی اخلاق مطبوعاتی روزنامه‌نگار مسلمان» و «سازمان‌های مشترک خبری و اطلاع‌رسانی، از جمله خبرگزاری مشترک اسلامی» را ضروری خواند.<sup>۶۲</sup> دبیر «هم‌اندیشی»، دکتر محسن اسماعیلی، رئیس «مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها» و مدیرمسئول رسانه بود که بعداً به‌عنوان عضو حقوقدان به «شورای نگهبان قانون اساسی» وارد شد.<sup>۶۴</sup>

در همین حال، برخی روزنامه‌نگاران ایرانی درباره «اخلاق حرفه‌ای» نظرهای متفاوتی ابراز کردند. سردبیر سلام، عباس عبدی، در مصاحبه‌ای با رسانه، «قانون، اخلاق، عرف و رسوم» را از «مهم‌ترین هنجارهای اجتماعی» خواند و گفت «آنچه ضمانت اجرا دارد و جدی‌تر است هنجار قانون است که تعیین می‌کند افراد در چه حیطه‌ای باید رفتار کنند و نباید‌ها کدامند.» آقای عبدی گفت «تا زمانی که قانون رعایت نشود نمی‌توان مفهوم درستی از اخلاق به دست داد. به‌طور مثال در روزنامه‌ها، روزنامه‌نگار خیلی کارها می‌تواند انجام بدهد که به لحاظ قانونی هم نمی‌توان به‌پروپایش

<sup>۶۱</sup> «اخلاق حرفه‌ای»، رسانه، سال هفتم، شماره ۳، پائیز ۱۳۷۵، ۱.

<sup>۶۲</sup> منوچهر محمدشمیرانی، «اخلاق مطبوعاتی را نهادینه کنیم»، رسانه، سال هفتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۵، ۱۰۰-۸۶.

<sup>۶۳</sup> فرزانه بنی‌هاشم، «گزارش یک رویداد: هم‌اندیشی چگونه شکل گرفت؟»، رسانه، سال هفتم، شماره ۳، پائیز ۱۳۷۵، ۱۰۷-۱۰۴.

<sup>۶۴</sup> «اعضای شورای نگهبان»،

پیچید. «آقای عبدی پرسید «چطور افرادی طرفدار اخلاق شده‌اند که به اساسی‌ترین قوانین بی توجهی می‌کنند؟ این روزها فحاش‌ترین آدم‌ها هم دم از اخلاق می‌زنند. اخلاق پوششی شده برای اینکه بعضی‌ها چهره زشت و ضدقانون خود را پشت آن پنهان کنند.» آقای عبدی خواستار آن شد که «در امر مطبوعات قانون دقیق حاکم باشد و به آزادی میدان داده شود»، زیرا «آزادی به معنی دقیق خود مسئولیت‌آور است. آن‌ها که کمتر از آزادی دفاع می‌کنند فحاش‌تر و بد اخلاق‌ترند و خود را پشت قدرت پنهان می‌کنند.» آقای عبدی مشکل مطبوعات ایران را «بی ریشگی و کمبود آدم‌های درست و حسابی در این مجموعه» توصیف کرد و قول داد اگر کسی در «۹ میلیون کلمه در هفته» نوشته روزنامه‌های ایران «۹ کلمه پیدا کند که از حقوق ملت نوشته باشند [...] ۹ هزار تومان» به او جایزه بدهد.<sup>۶۵</sup>

مینو بدیعی، از روزنامه‌نگاران با سابقه، اخلاق را مفهومی «تعریف نشده و غیرقانونمند» خواند که هر نشریه‌ای آن را به دلخواه خود تعبیر می‌کند و گفت نشریه‌ای «هتاک‌ی و تهمت زدن [...] بدون دلایل مستند، کافی و وافی را در حکم انتقاد می‌داند و این کار را از بعد اخلاق موهن و زشت نمی‌پندارد» اما نشریه‌ای دیگر «به بهانه رعایت اخلاق از انجام دادن اصلی‌ترین وظیفه خود که همان طرح مسائل و مشکلات اجتماعی و انتقاد کردن به روش صحیح است خودداری می‌کند.» خانم بدیعی مهم‌ترین مشکلات اخلاقی حرفه روزنامه‌نگاری را «عدم تعهد لازم نسبت به جنبه‌های رسالت اجتماعی و رسالت مطبوعاتی از سوی برخی خبرنگاران، روزنامه‌نگاران، و نشریات» دانست و نمونه‌هایی از «زیر پا گذاشتن موازین اخلاقی» را چنین ذکر کرد: «گرفتن رشوه، حتی در میزان اندک، برای چاپ و درج یک خبر یا گزارش؛ مخدوش کردن نقش آگهی با خبر در برخی از نشریات؛ اتهام بستن به افراد، بدون دلیل و سند؛ هتاک‌ی و دشنام در قالب مقاله؛ ضعف در برابر روابط عمومی‌ها یا مدیریت‌های سازمان‌ها برای دریافت امتیازات مادی و معنوی؛ پول گرفتن از برخی افراد برای چاپ مقالات آنان؛ دریافت هدایای غیر ضروری که در حکم رشوه‌گیری است؛ و در مواردی کار برای روابط عمومی که خلاف تعهدها و موازین روزنامه‌نگاری است.» خانم بدیعی گفت «افزایش سطح سواد و اطلاعات حرفه‌ای» و «مشخص شدن وضعیت شغلی، رفاهی، و معیشتی و اصول حاکم» بر روزنامه‌نگاری در «تکوین اخلاق عملی روزنامه‌نگاری تأثیر به‌سزائی خواهد داشت» و «تشکل صنفی خبرنگاران و روزنامه‌نگاران نیز می‌تواند زمینه‌های تدوین و اجرای موازین عملی اخلاق در مطبوعات را فراهم کند.»<sup>۶۶</sup> در یک نظر سنجی، مدیران مسئول و سردبیران نشریات نیز «ایجاد تشکل‌های صنفی» را امری ضروری دانستند.<sup>۶۷</sup>

### نقوش گیاهی، تفکر کانتی، کربن‌های فعال

در چهارمین جشنواره مطبوعات، در اردیبهشت ۱۳۷۶ که آخرین جشنواره دوره ریاست جمهوری آقای رفسنجانی بود ۴۱ جایزه به مقاله‌هایی با مضامین دینی، علمی، یا فرهنگی تعلق گرفت، از جمله: «بررسی نقوش گیاهی در هنرهای

<sup>۶۵</sup> لیلا رستگار، «اخلاق حرفه‌ای و روزنامه‌نگاران ایرانی»، رسانه، سال هفتم، شماره ۳، پائیز ۱۳۷۵، ۱۰-۸.

<sup>۶۶</sup> همان، ۱۶-۱۰.

<sup>۶۷</sup> مرتضی پورموسی، «راه‌اندازی تشکل‌های صنفی؛ موانع و راه‌حل‌ها»، رسانه، سال هفتم، شماره ۳، پائیز ۱۳۷۵، ۸۰-۷۱. برای اطلاع بیشتر درباره این نظر سنجی و تشکیل «انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران» نگاه کنید به «فصل یازدهم: سازماندهی، آموزش و کارآموزی».

اسلامی»،<sup>۶۸</sup> «تأثیر کانت بر تفکر دینی مغرب زمین»،<sup>۶۹</sup> «بالا بردن کرائی کربن‌های فعال جهت پدافند شیمیائی»،<sup>۷۰</sup> «در کشاکش آب و سنگ»، بر پایه تجربه شخصی نویسنده مقاله در نوشیدن آب برای دفع سنگ کلیه،<sup>۷۱</sup> و «کیفیت غذائی قارچ ایران».<sup>۷۲</sup> هدف یکی از مقاله‌های برگزیده با عنوان «نگاهی تاریخی بر مسأله فقه و زمان» کوششی بود برای «بیان مختصر مسائل مربوطه به زمان در فقه اسلام در سال‌های اخیر»، گزارش نظریه‌هایی که برای حل مسأله عنوان شده‌اند، و تعیین زمینه‌هایی برای «هماهنگ کردن فقه با زمان».<sup>۷۳</sup> در مقاله‌ای دیگر با عنوان «بررسی فقهی و اقتصادی سود تضمین شده علی الحساب در سیستم بانکداری بدون ربا»، استدلال شده بود که «دوازده سال پس از تصویب عملیات بانکی بدون بهره» نظام بانکی ایران «هنوز از آثار سوء تسلط رباخواری آزاد نشده است».<sup>۷۴</sup> معدود بردگانی که استثنائی بر این قاعده به حساب می‌آمدند عبارت بودند از مقاله‌ای درباره نابسامانی مالی در شرکت‌های دولتی؛<sup>۷۵</sup> مصاحبه‌ای صریح در سلام با رئیس «بنیاد مستضعفان و جانبازان»، محسن رفیق دوست، که برادرش مرتضی به تازگی در بزرگترین ماجرای فساد مالی در جمهوری اسلامی تا آن زمان به حبس ابد محکوم شده بود؛<sup>۷۶</sup> و گزارشی تکان دهنده، از یکی از چهار زن روزنامه‌نگار برنده، درباره کار روزمره در «پزشکی قانونی» تهران در مورد تعیین سن، بلوغ، جنون، مستی، ابویت، بکارت، تجاوز، انحراف جنسی، و البته تشریح جسد برای تشخیص علت مرگ.<sup>۷۷</sup> یک برنده دیگر مقاله طنزی بود با اشاره‌ای ظریف به مسئولانی در جمهوری اسلامی که به استفاده از موقعیت خود برای افزایش ثروت شخصی، از جمله خرید ملک در غرب، متهم شده بودند.<sup>۷۸</sup>

دبیر جشنواره، علی انتظاری، گفت اگر چه ایران با داشتن ۷۵۰ نشریه یکی از «پر رونق‌ترین سال‌های مطبوعات» خود را می‌گذراند، تاریخ ۱۶۰ ساله مطبوعات کشور توقع ناظران و هیأت داوران جشنواره را بالا برده است. آقای انتظاری همچنین گفت ایران با مصرف ۲۹ نسخه روزنامه برای هر ۱،۰۰۰ نفر با «میزان قابل قبول یعنی

<sup>۶۸</sup> هادی عارفی، «بررسی نقوش گیاهی در هنرهای اسلامی»، اهل قلم، شماره‌های ۱۳ و ۱۴، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۵، در آثار برگزیده چهارمین جشنواره مطبوعات، تهران، دبیرخانه جشنواره، ۱۳۷۶، ۸۰-۷۴.

<sup>۶۹</sup> دکتر غلام علی حداد عادل، «تأثیر کانت بر تفکر دینی مغرب زمین»، قیسات، شماره ۲، زمستان ۱۳۷۵، در آثار برگزیده چهارمین جشنواره، ۹۷-۸۴.

<sup>۷۰</sup> احمد شعبانی، «بالا بردن کرائی کربن‌های فعال جهت پدافند شیمیائی»، شیمی و مهندسی شیمی ایران، سال چهاردهم، شماره ۲، ۱۳۷۴، در آثار برگزیده چهارمین جشنواره، ۱۱۰-۱۰۰.

<sup>۷۱</sup> عبدالحمید حسینی نیا، «در کشاکش آب و سنگ»، اطلاعات، شماره ۲۰۸۲۲، ۶ مرداد ۱۳۷۵، در آثار برگزیده چهارمین جشنواره، ۱۱۸-۱۱۴.

<sup>۷۲</sup> مهین آذر، «کیفیت غذائی قارچ ایران»، استاندارد و کالاهای ایرانی، شماره ۵۲، دی ۷۴، آثار برگزیده چهارمین جشنواره، ۱۲۳-۱۲۱.

<sup>۷۳</sup> مهدی مهریزی، «نگاهی تاریخی بر مسأله فقه و زمان»، آئینه پژوهش، شماره ۳۶، بهمن و اسفند ۱۳۷۴، در آثار برگزیده چهارمین جشنواره، ۱۶۱-۱۳۶.

<sup>۷۴</sup> محمد حسین حسین زاده بحرینیان، «بررسی فقهی و اقتصادی سود تضمین شده علی الحساب در سیستم بانکداری بدون ربا»، اندیشه حوزه، شماره ۵، تابستان ۱۳۷۵، در آثار برگزیده چهارمین جشنواره، ۱۶۰-۱۶۶.

<sup>۷۵</sup> مجید رزازی، «گزارش وضعیت کنترل مالی در شرکت‌های دولتی»، کیهان، شماره ۱۵۸۲۵ الی ۱۵۸۳۰، الی ۱۳ آبان ۱۳۷۵، در آثار برگزیده چهارمین جشنواره، ۳۱۴-۳۰۰.

<sup>۷۶</sup> کاویانی، حمیدرضا، «گفتگوی سه ساعته سلام با محسن رفیق دوست پیرامون گزارش تحقیق و تفحص مجلس از عملکرد بنیاد مستضعفان»، سلام، شماره‌های ۱۵۶۳ الی ۱۵۶۶، ۹ تا ۹ آبان ۱۳۷۵، در آثار برگزیده چهارمین جشنواره، ۲۵۲-۲۳۶. متهم دیگر این پرونده، فاضل خداداد، در سال ۱۳۷۴ به دار آویخته شد.

<sup>۷۷</sup> لیلی فرهادپور باستانی، «گذار از گمرک مردگان»، ماهنامه دریچه، سال اول، شماره ۳، در آثار برگزیده چهارمین جشنواره، ۳۲۶-۳۱۶.

<sup>۷۸</sup> سید مهدی شجاعی، «شازده»، نیستان، سال دوم شماره‌های ۱۷ و ۱۸، بهمن و اسفند ۱۳۷۵، آثار برگزیده چهارمین جشنواره، ۳۷۱-۳۶۷.

حداقل ۱۰۰ نسخه» فاصله زیادی دارد.<sup>۷۹</sup> روزنامه‌نگاران شاغل از ترکیب هیأت ناظران که شش مرد در آن عضویت داشتند و تنها دو تن از آنان روزنامه‌نگار بودند،<sup>۸۰</sup> انتقاد کردند و گفتند انتخاب برندگان باید به روزنامه‌نگاران واگذار می‌شد. روزنامه‌نگاران همچنین گفتند بدون «یک تشکل حرفه‌ای- فرهنگی که دفاع از حقوق آنان» را برعهده بگیرد نخواهند توانست «با استقلال شخصیت، جسارت، پویائی و تکیه بر یک هویت فرهنگی مسئولیت اجتماعی خود را به انجام» برسانند.<sup>۸۱</sup>

در روز ۲۹ اردیبهشت ۱۳۷۶، ۵ روز پیش از انتخابات ریاست جمهوری که آقای خاتمی در آن برنده شد، روزنامه آفتابگردان برای کودکان، به صاحب امتیازی دستیار نزدیک رئیس جمهور رفسنجانی و شهردار تهران، غلامحسین کرباسچی، توقیف شد. به گزارش "روابط عمومی دادگستری کل استان تهران"، علت توقیف آن بود که روزنامه «مطلبی تحت عنوان "حمایت قرص و محکم خبرچین از صدا و سیما" را،

به صورت طنز، بدو در تاریخ ۷۶/۲/۱۱ و مجدداً در تاریخ ۷۶/۲/۲۴ و مقارن با بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع مسئولان صدا و سیما منتشر کرده بود. دادگستری استان تهران در تاریخ ۷۶/۲/۲۹ پرونده مزبور را در شعبه ۲۶ دادگاه عمومی تهران مورد رسیدگی قرار داد و پس از طرح شکایت و دفاع متهم، هیأت منصفه با اکثریت آراء نامبرده را مجرم دانست، ولی به علت عدم تعمد وی را مستحق ارفاق دانست و در نتیجه دادگاه به استناد ماده ۵۱۴ و ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی متهم را به پرداخت بیست میلیون ریال جزای نقدی محکوم کرد [ ... ] دادگاه در رای صادره خود همچنین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را مکلف کرد تا در اجرای ماده ۲۷ قانون مطبوعات نسبت به لغو امتیاز نشریه مذکور نیز اقدام نماید. به این ترتیب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز پروانه روزنامه آفتابگردان را لغو کرد.<sup>۸۲</sup>

حدود دو ماه پیش از صدور حکم دادگستری کل تهران، ضمن مراسمی در "خانه روزنامه‌نگاران جوان"، با حضور معاون مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، علی اکبر اشعری، چند تن از مدیران مسئول و سردبیران روزنامه‌ها و مدرسان روزنامه‌نگاری، نام یازده تن "برگزیدگان آثار برتر مطبوعات کودک و نوجوان" اعلام شده بود. سه نفر از برندگان - مصطفی رحماندوست، شهرام شفیعی، و نسرین مهاجرانی - از نویسندگان آفتابگردان بودند.<sup>۸۳</sup>

<sup>۷۹</sup> دبیر جشنواره چهارم، علی انتظاری، آثار برگزیده چهارمین جشنواره، ۱۱-۱۰.

<sup>۸۰</sup> شرح حال اعضاء هیأت داوران، آثار برگزیده چهارمین جشنواره، ۱۵-۱۴.

<sup>۸۱</sup> لیلا رستگار، "جشنواره چهارم؛ حرف‌های روزنامه‌نگاران، برگزیدگان، و دبیر جشنواره"، رسانه، سال هشتم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶، ۱۰۵-۱۰۰.

<sup>۸۲</sup> رسانه، سال هشتم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۶، ۱۲۶.

<sup>۸۳</sup> همان. مراسم در ۲۲ اسفند ۱۳۷۵ برگزار شد. فهرست کامل برندگان از این قرار بود: "سرمقاله": آقایان مصطفی رحماندوست و شهرام شفیعی از روزنامه آفتابگردان؛ "گزارش از رویداد": فریدون عموزاده خلیلی؛ "گزارش از مکان": ناصر کرمی؛ "گزارش اجتماعی": مهران بهروز فغانی؛ "گفت و گو": علی اصغر سیدآبادی از امید آینده، عباس ناصری قطب‌الدین از آینده سازان، نسرین مهاجرانی از آفتابگردان، و حسین بکائی از رشد نوجوان؛ "مقاله نویسی": کتایون بکائی از رشد نوجوان، سعید برنج چی از مجله فنون، و مقاله "اگر می‌خواهیم بهار در خانه بماند" بدون نام.